

## شناسایی و تبیین مهم‌ترین راهکارهای بهبود آموزش عالی کشاورزی در دانشکده کشاورزی زنجان

فاطمه کریمی اعتماد<sup>۱</sup>، جعفر یعقوبی<sup>۲</sup>، عبدالحمید پاپ زن<sup>۳</sup>

۱- دانش آموخته دکتری رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زنجان، ایران

۲- دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، ایران

۳- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

### چکیده

نظام آموزش عالی به عنوان بارزترین نمود سرمایه‌گذاری نیروی انسانی، نقش اصلی در تربیت و تأمین نیروی انسانی اثربخش را بر عهده دارد. بنابراین توسعه آموزش عالی به عنوان یکی از زیرساخت‌های توسعه هر کشور، دارای اهمیت فراوانی است. در همین راستا توسعه آموزش عالی کشاورزی می‌تواند نقش مهمی در رشد کشاورزی ایفا کرده و دستیابی به توسعه همه‌جانبه و پایدار کشاورزی را تضمین کند. هدف این پژوهش، شناسایی مهم‌ترین راهکارهای بهبود آموزش عالی کشاورزی با استفاده از نظریه بنیانی بود. با توجه به مد نظر بودن رویکرد اکتشافی در شناسایی راهکارها از دیدمان کیفی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش صاحب‌نظران دانشگاهی، دانش‌آموختگان، کارآفرینان کشاورزی و مدیران جهاد کشاورزی در زنجان بودند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع داده‌ها با ۳۲ نفر از صاحب‌نظران مصاحبه شد. با تحلیل متن مصاحبه‌ها، طی کدگذاری باز ۲۰۰ گزاره مفهومی در ارتباط با راهکارهای بهبود آموزش عالی کشاورزی استخراج شد. مفاهیم، طی سلسله مراتب کدگذاری در نظریه مبنایی، در قالب ۵۲ خرده مقوله (مقوله محوری) و نیز طی کدگذاری انتخابی در ۶ مقوله کلی دسته‌بندی شدند. برابر این دسته‌بندی مهم‌ترین سوئیگان بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی شامل ابعاد آموزشی-پژوهشی، زیربنایی، ساختاری (زیرساختی)، فردی-مهارتی (نیروی انسانی)، اداری-مدیریتی (سازمانی) و اقتصادی بودند. با توجه به اهمیت ابعاد بهبود آموزش عالی کشاورزی، به منظور دستیابی نظام به هدف‌های کلان و چشم‌انداز خود، بایستی بازبینی و اصلاح در آن بر مبنای شاخص‌هایی که دارای اهمیت و اولویت هستند مورد توجه قرار گیرد. بنابراین ضرورت دارد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی کشاورزی ابعاد مرتبط با شاخص‌های اصلی نظام آموزش عالی کشاورزی را که در این پژوهش شناسایی شده است را در برنامه‌ریزی و طراحی برنامه‌های آموزشی مورد توجه خاص قرار دهند. به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان پیشنهاد مودک می‌شود که در جهت بهبود و تغییر نظام آموزشی به صورتی که فضای حاکم بر کلاس‌ها مشارکتی و همراه با همکاری باشد اقدام و محتوای کتاب‌ها به گونه‌ای بازبینی و تنظیم شود که ابعاد و شاخص‌های مهم شناسایی شده به عنوان یک راهبرد کارآمد در نظام آموزش عالی کشاورزی استفاده شود.

نمایه واژگان: آموزش عالی کشاورزی، دانشکده کشاورزی، توسعه زیرساخت، آموزش عالی، بهبود آموزش عالی

کشاورزی

نویسنده مسئول: فاطمه کریمی اعتماد

رایانامه: f.karimi313@znu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵

## مقدمه

نظام آموزش عالی نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها دارد (فیتیرانی و مولجونو، ۲۰۱۹). کشورهای در حال توسعه نیز بر این باورند که پایه‌ی اصلی توسعه‌ی ملی، گسترش کمی و کیفی آموزش عالی است (سلیمی و موسوی، ۱۳۹۶). همچنین آموزش به طور گسترده‌ای به عنوان یک موضوع کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها مورد توجه قرار گرفته است (بارو و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهد که کیفیت آموزش با درآمد و رشد اقتصادی و همچنین بازدهی‌های فردی بیشترین ارتباط مؤثر و کارآمد را داشته و رابطه‌ای مستقیم بین کیفیت امکانات مؤسسه‌های آموزشی و دستاوردهای آن‌ها وجود دارد (بوکانفوسو و همکاران، ۲۰۱۵).

از جمله مأموریت‌های مهم آموزش عالی توسعه نیروی انسانی برای تأمین نیازهای جامعه است. در این راستا، نظام آموزش عالی باید متناسب با نیازهای جامعه برنامه‌ریزی و تنظیم شود که متناسب با آموزش مبتنی بر شایستگی باشد (تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). در این راستا دانشگاه‌ها، موسسه‌های آموزش عالی علوم پایه و آموزش عالی کشاورزی به مثابه نهادهای عمده تولید دانش کشاورزی به دلیل تغییر در ماهیت تولید علم و تولید اقتصادی، افزون بر پژوهش و آموزش، نقش و رسالت جدیدی در توسعه اقتصادی و منطقه‌ای یافته‌اند (پور جاوید و همکاران، ۱۳۹۷). دانشگاه‌ها و مراکزهای آموزش عالی کشاورزی به عنوان ارکان نظام نوآوری کشاورزی هم‌راستا با تغییر، دگرگونی‌ها و چالش‌های بخش کشاورزی، نظام فناوری، بازار و تغییر و دگرگونی‌های سیاستی، نیازمند ارتقای اثربخشی و سودمندی تحقیقات خویش هستند (بانک جهانی، ۲۰۰۷). هرگونه سیاست‌گذاری برای پیشبرد تحقیقات و توسعه کشاورزی در آموزش عالی کشاورزی نیازمند رساندن دانش و فناوری‌های نوین

به دست تولیدکنندگان و تلفیق آن‌ها در زنجیره‌های کشاورزی به منظور تحقق توسعه دانش‌بنیان است (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲).

امروزه از نظام آموزش عالی کشاورزی انتظار می‌رود، افزون بر تربیت پژوهشگران، مربیان و مروجان بخش کشاورزی در جهت تولید و اشاعه دانش و فناوری‌های نوین در بخش کشاورزی حرکت کرده و به طور شایسته‌ای وظایف آموزشی-پژوهشی خود را انجام داده و خدمات‌رسانی کند (عباسی و حجازی، ۱۳۸۹). لذا دانشگاه بر حسب رسالت‌ها و تعهدهایی که نسبت به جامعه دارد، بایستی از یک سو برای بقاء و اثربخشی خود تلاش کند و از سوی دیگر، با توجه به نقشی که در جامعه به عنوان الگوهایی برای دیگر سازمان‌ها دارد بایستی در جهت ایجاد بستری مناسب برای اثربخش کردن سازمان‌های دیگر برنامه‌ریزی کند تا با شیوه‌های جدید و کارآمد بتواند با ارائه کالاها و خدمات خود به جامعه، نتیجه ارزشمندی را به بار آورد. بر این مبنا، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های نوین آموزش عالی علوم پایه و آموزش عالی کشاورزی در عصر کنونی، بایستی مسئولیت‌های جدیدی در قبال جامعه و توسعه اقتصادی آن تقبل کنند (شیری و همکاران، ۱۳۹۴). اما، تغییر و دگرگونی‌هایی که در دو دهه اخیر در زمینه‌ی اقتصاد و سیاست جهانی رخ داده است، آموزش عالی کشاورزی را در کشورهای مختلف جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه با تنگناها و چالش‌های جدیدی روبه‌رو کرده است (برآبادی و همکاران، ۱۳۸۸).

بیکاری و وضعیت اشتغال نامناسب دانش‌آموختگان دانشگاهی به ویژه، کاهش گرایش افراد به رشته‌های کشاورزی، کمبود زمینه‌های ارتباط موثر بین دانشگاه با بخش کشاورزی و صنعت مرتبط آن، نبود نظام ارزیابی درست در زمینه بهبود کیفیت، تأمین منبع‌های مالی آموزش عالی، نبود تناسب بین ظرفیت کنونی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و نیازهای واقعی و آتی بازار کار،

دانش‌آموختگان بیکاری است که هر سال بر شمار آنان افزوده می‌شود (رستمی و علی‌آبادی، ۱۳۹۳) فراگیرانی که تخصص آنان در سطحی نیست که بتوانند مسئله‌ای را از بخش کشاورزی رفع و به توسعه آن کمک کنند (صادقی و محتشمی، ۱۳۸۹).

ارزیابی‌های انجام شده در زمینه کیفیت آموزش عالی کشاورزی نشان دهنده وضعیت نه‌چندان مطلوب آن است. از جمله مقدس فریمانی و همکاران (۱۳۸۵) در نتایج بررسی‌های خود بیان می‌کنند که آموزش عالی کشاورزی در کشور، فراگیران را برای سازگاری با شرایط متغیر و دگرگون‌آماده نمی‌کنند. حاجی‌هاشمی و موحدی (۱۳۹۵) نیز در نتایج بررسی‌های خود اظهار داشتند، نظام آموزش کشاورزی همراه با نیازهای مختلف روستایی دگرگون نشده است. در مرکزهای آموزش کشاورزی محتوای آموزشی کتاب‌های درسی بسیار کم منطبق بر فعالیت‌های کشاورزی و نیازمندی‌های دانشجویان است. روش‌های متداول آموزش از جمله سخنرانی به عنوان روش غالب در مرکزهای آموزشی به کار می‌رود و تفکر انتقادی یا تنها به طور ضمنی آموزش داده می‌شود و یا هرگز آموزش داده نمی‌شود (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۵)، برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در این مرکزها نامناسب است؛ به‌طوری که بنا بر نتایج پژوهش‌های انجام شده ۲۰ درصد از مسئله‌های نظام آموزش عالی مربوط به این مسئله می‌باشد (زارع و محمدزاده، ۱۳۹۲). بنابراین، برای قرار گرفتن در مسیر توسعه و جلوگیری از عقب‌ماندگی باید شرایطی فراهم شود که دانشگاه‌ها بتوانند دانشجویان را برای به‌کارگیری فن‌آوری‌های به‌روز و پذیرش مسئولیت‌های مختلف در سطح سازمان و جامعه پرورش دهند. همچنین امروزه به علت کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و افزایش شکاف دستمزدها بین این بخش و دیگر بخش‌های خدماتی، صنعتی و تولیدی، علاقه و توجه

کم‌توجهی به کارآفرینی در دانشگاه‌ها، کمی توجه به انجام تحقیقات کاربردی در آموزش عالی کشاورزی، نبود زمینه‌ی‌گزینه‌ی مناسب دانشجویان و نبود انگیزه‌ی کافی در دانشجویان برای ادامه تحصیل از جمله این تنگناها و چالش‌هاست، که شاید بتوان گفت بحران و چالش بیکاری دانش‌آموختگان از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آن‌ها باشد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۹) این تنگناهای اساسی ناشی از عامل‌های درونی و پیرامونی مختلفی مانند نبود برنامه‌ریزی درازمدت و سیاست‌گذاری مناسب در امر آموزش و اشتغال دانش‌آموختگان (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵)، کمبود برنامه‌ی آموزش‌های عملی و علمی-کاربردی، کمبود ارائه آموزش‌های مناسب، روش‌های آموزشی نامطلوب، نبود زمینه‌ی انتخاب بهینه‌ی دانشجویان، نبود زمینه ارتباط دانشگاه با دیگر بخش‌ها، نگرش نامناسب به رشته و حرفه‌های کشاورزی در جامعه، نبود تناسب بین محتوای واحدهای درسی آموزش با مهارت‌های شغلی و کمی توجه به آموزش‌های کاربردی است (یعقوبی، ۱۳۸۹ و قاسمی، ۱۳۸۸).

مرور نتایج و تحقیقات پیشین نیز بیانگر این است که امروزه آموزش عالی کشاورزی با چالش‌ها و تنگناهای پرشماری در قالب مسئله‌های درون (مجردی و کرمی‌دهکردی، ۲۰۱۶؛ باتیستا، ۲۰۱۶) و برون دانشگاهی (سازمانی) روبه‌روست (یعقوبی، ۲۰۱۱؛ عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). موسسه‌های آموزش عالی کشاورزی عمده هدف‌های خود را در تربیت نیروهای متخصص آن هم بدون پیش‌بینی در زمینه نیازمندی‌های تخصصی آینده کشور خلاصه کرده‌اند (آقداود و همکاران، ۱۳۸۹). هنگامی که این فراگیران با روش‌های یادگیری نامناسب، مسئله‌های تخصصی بخش کشاورزی را نیز به صورت نادرست فرا می‌گیرند؛ خروجی و فرآیند این چنین نظام آموزشی که تلاشی در جهت آموزش بهینه و درست فراگیر انجام نداده است؛ موجب ورود

جامعه به تحصیل در رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی کاهش یافته است که به کاهش چشمگیر ورودی‌ها به دانشکده‌ها و دانشگاه‌های علوم کشاورزی و منابع طبیعی منجر می‌شود. ادامه این روند می‌تواند به خالی شدن بخش کشاورزی از نیروی کار متخصص و کارآمد منجر شود که در نهایت امنیت غذایی جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بدون شک شناخت بازدارنده‌ها و نارسایی‌های نظام آموزش عالی کشاورزی کمک فراوانی در جهت ارائه چارچوبی مناسب برای اثربخش کردن آن خواهد کرد. با توجه به آنچه درباره اهمیت آموزش عالی به طور عام و آموزش عالی کشاورزی به طور خاص در توسعه جامعه و همچنین با توجه به چشم‌انداز توسعه کشور و ورود ادبیات اقتصاد مقاومتی در آن، رفع نارسایی‌های نظام آموزش عالی کشاورزی و در مرحله بعد تدوین چهارچوبی برای اثربخشی آن ضروری باشد. بنابراین، این تحقیق به دنبال بررسی راهکارهای بهبود آموزش عالی کشاورزی با استفاده از نظریه بنیانی بوده است.

## مبانی نظری

آموزش به عنوان یک زمینه‌ی انتقادی مدیریت سرمایه انسانی و همچنین سریع‌ترین بخش افزایش کارایی مطرح بوده و می‌باشد. آموزش به عنوان طرح‌هایی برای بهبود کارایی، تواناسازی‌های فیزیکی و ذهنی در راستای فرآیندهای کاری کارآمد است (آدنی و همکاران، ۲۰۱۸). اما آموزش در دوره‌های گذشته با چالش‌ها و مسئله‌های بسیار گوناگون روبه‌رو بوده است، مواردی مانند: نبود زمینه نیازسنجی آموزشی، ناهماهنگی محتوای واحدهای درسی آموزشی با شرایط فراگیران، نبود استفاده از مربیان کارآمد و با تجربه در آموزش و به طور کلی کم یا بی‌توجهی به کیفی‌سازی آموزش، از جمله این چالش‌ها به شمار می‌آیند (زمانیان و همکاران، ۱۳۹۵). مرکزهای آموزش عالی کشاورزی در سطح‌های

متوسطه و عالی به دلیل تماس کافی با دستگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی در چارچوب ذهنیت‌ها و نظریه‌های محدود درسی محصور بوده و لذا دانش‌آموختگان پس از فراغت از تحصیل در هر مقطع به هنگام ورود به بازار کار و دستگاه‌های اجرایی با شرایط کاری نامأنوسی روبه‌رو می‌شوند که در دوران تحصیل با آن بیگانه بوده‌اند. بدیهی است چنانچه آموزش‌های عملی در مرکزهای یاد شده با فعالیت‌ها و نیازهای دستگاه‌های اجرایی هماهنگ شود، امکان بهره‌گیری متقابل، بیشتر فراهم خواهد بود (هاجز و برچل، ۲۰۰۳). نبود زمینه‌های ارتباط لازم بین نظام آموزش عالی کشاورزی و نظام اشتغال، کم‌توجهی به نیاز بازار کار و جامعه در برنامه‌های درسی و آموزشی کشاورزی، ضعف پژوهش و محدودیت منابع‌های مالی از جمله دیگر مسئله‌های نظام آموزش عالی کشاورزی است (خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲). اولیای امور زمانی بر این باور بودند، گسترش دانشکده‌های کشاورزی و تربیت نیروی انسانی تحصیل‌کرده منجر به توسعه کشاورزی خواهد شد. از این رو در این راستا گام‌های زیادی برای تربیت کمی نیروی انسانی ماهر برداشته شد. به گونه‌ای که امروزه به جرأت می‌توان گفت کشورمان در زمینه نیروی تحصیل‌کرده کشاورزی، البته نه از کمی و شمار پذیرش دانشجو، نه تنها کمبودی ندارد بلکه مسئله بیکاری انبوه دانش‌آموختگان این بخش، خود به چالش عمده‌ی دیگری تبدیل شده است. به راستی برای رسیدن به توسعه‌ی قابل قبول در بخش کشاورزی چه باید کرد (یعقوبی، ۱۳۸۹). در جامعه‌های توسعه‌نیافته و در حال توسعه‌ای چون ایران، بسیاری از رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌ها در عمل بدون کارایی لازم بوده و اغلب دانش‌آموختگان این رشته‌ها برای استفاده از علم و دانش خود مجال تجربه عملی نمی‌یابند و در بسیاری موارد حتی در صورت یافتن کار، در زمینه‌های دیگری که متناسب با رشته تحصیلی آنان نیست فعالیت کنند. در

### پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌هایی پیرامون مسئله‌های نظام آموزش عالی کشاورزی در ایران و جهان انجام شده است ولی هیچ تحقیقی به طور اختصاصی به راهکارهای بهبود آموزش عالی کشاورزی نپرداخته است. در زیر به برخی از مهم‌ترین تحقیقات انجام شده درباره پیشینه موضوع اشاره می‌شود.

پژوهشی با عنوان «الگوی چابکی سازمانی در آموزش عالی کشاورزی ایران با رویکرد گرند تئوری» انجام شد، نتایج این تحقیق نشان داد که سرعت و انعطاف‌پذیری در رویاوی با تغییر و دگرگونی‌ها، دانش‌بنیان و نوآور بودن دانشگاه، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه دانشگاه‌ها و توانمندسازی آن به منظور ارتقای چابکی دانشگاهی، تولید دانش‌آموختگان توانمند و با صلاحیت و دانش و خدمات مورد نیاز جامعه از مهم‌ترین راهکارهای چابک‌سازی آموزش عالی کشاورزی است (پورجاوید و همکاران، ۱۳۹۹). نتایج پژوهش فلاح‌حقیقی (۱۳۹۹)، با عنوان «دیدگاه اعضای هیئت علمی کشاورزی یزد نسبت به تأثیر آموزش عالی کشاورزی بر توسعه انسانی» نشان داد که چهار عامل تأثیرگذار بر توسعه نیروی انسانی کارآمد شامل صلاحیت شغلی و مهارتی، فرآیند آموزش و برنامه‌ریزی آموزشی، تعادل در عرضه و تقاضا و تعامل با بخش‌های اقتصادی، و توسعه نوآوری در نظام آموزش عالی کشاورزی بودند. سواری‌ممبینی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «راهکارهای توسعه آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان» انجام شد، نتایج نشان داد که رفع تنگناها در زمینه‌ی تشخیص صلاحیت ثبت شرکت‌های مهندسی مشاور، ارتباط مؤثر و سازمان‌یافته دانشکده‌ها با مرکزهای استانی مرتبط با بخش پژوهش و در نظر گرفتن هزینه‌ی استهلاک دستگاه‌های موجود در آزمایشگاه و رفع کاستی‌های آزمایشگاه‌ها

واقع، عملکرد نامطلوب دستگاه‌های آموزشی و پرورشی در تربیت نامناسب نیروی ماهر و کارآموده باعث شده تا بسیاری از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها به زمینه‌های کاذب روی آوردند (زمانیان و همکاران، ۱۳۹۵). حدود یک سوم حرفه افراد با رشته تحصیلی آنان ارتباطی ندارد. ناهماهنگی بین حرفه و مهارت‌های تخصصی افراد، سبب خواهد شد که بخشی از هدف‌های مورد نظر در زمینه تأثیر آموزش‌ها بر رشد بهره‌وری (یعنی به ثمر رسیدن توانمندی‌های انسانی) محقق نشود (سواری ممبینی، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر چنین مسئله‌هایی سبب هدرروی نیروی انسانی خواهد شد و همین امر تجدیدنظر و اصلاح ساختاری در آموزش و پرورش را نیز امری ضروری و گریزناپذیر کرده است. ارتقای کیفیت آموزش از جهت دیگری هم ضروری و الزامی است، چرا که برخی از تحصیل‌کردگان دانشگاهی بدون آنکه دانش و مهارت کیفی به دست آورده باشند، به خیل بیکاران پرتوقع می‌پیوندند. بر این مینا، برنامه‌ریزان مدیران در کشورهای گوناگون می‌کوشند تا در انتخاب نظام آموزشی کارآمد یا کارآمدتر کردن نظام آموزشی موجود، کمترین فرصتی را از دست ندهند و در نتیجه آن دگرگونی‌های نظام‌ها، الگوها و روش‌های آموزشی و روزآمد شدن آن‌ها و یا ایجاد زمینه‌های اصلاحی با هدف ارتقاء سطح کارایی و اثربخشی نظام آموزش از این جنس می‌باشد (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). امروزه، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی علوم پایه و آموزش عالی کشاورزی به طور پیوسته موقعیت‌های خود را در رویارویی با تقاضاهای جامعه جهانی در حال تغییر و دگرگونی مورد بازبینی قرار می‌دهند. داشتن یک هویت ممتاز و روشن، پایه و رکن استواری برای تصمیم‌گیری در مورد چگونگی واکنش به این تغییرهای خواسته شده به شمار می‌آیند. لذا آموزش عالی کشاورزی به طور مشخص نیازمند یک بررسی، بازبینی دقیق و موشکافانه در ابعاد مختلف خود است (مونولسکو و همکاران، ۲۰۰۴).

مهم‌ترین راهکارهای توسعه آموزش عالی کشاورزی بودند. پژوهشی با عنوان «تحلیل اثربخشی نظام آموزش عالی کشاورزی بر پرورش قابلیت‌های کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشاورزی» در دانشگاه محقق اردبیلی نشان داد که قابلیت‌های آموزشگران، شیوه‌های تدریس و آموزش، مدیریت و عامل‌های زیرساختی، دوره‌های آموزشی کارآفرینی و برنامه‌های درسی از جمله عامل‌های تأثیرگذار در نظام آموزش عالی کشاورزی کارآفرینانه می‌باشند (سوختانلو، ۱۳۹۶). نتایج پژوهشی با عنوان «ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی در نظام آموزش عالی کشاورزی با استفاده از مدل کیفیت خدمات آموزشی (SERVQUAL) در : دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس نشان داد که ابعاد کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان عبارت است از: همدلی، پاسخگویی، اعتبار، شرایط فیزیکی و ملموس (تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). نتایج تحقیقی با عنوان «بررسی کارآیی آموزش عالی کشاورزی دانشگاه بوعلی‌سینا) نشان داد که کاهش ریزش دانشجو در زمان تحصیل و جلوگیری از افزایش دوران زمان تحصیل صورت گیرد (زارعی، ۱۳۹۴). نتایج پژوهش سارانی (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی رابطه بین سبک رهبری تحول‌آفرین با بهبود کیفیت آموزش عالی کشاورزی» نشان داد که متغیر انگیزش الهام‌بخش به عنوان متغیر تأثیرگذار بر بهبود کیفیت آموزشی به شمار آید. در پژوهشی با عنوان «تحلیل سازوکارهای تحول‌آفرینی آموزشی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران» نتایج نشان داد که رهبری، صلاحیت‌های آموزشی، یادگیری، کیفیت در آموزش عالی، روش آموزش و تدریس، زمینه‌ها و راهبردها از جمله عامل‌های اثرگذار در امر تحول‌آفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران می‌باشد (علیزاده، ۱۳۹۳). نتایج پژوهشی با عنوان راهکارهای بهبود آموزش عالی کشاورزی در راستای آمادگی دانش‌آموختگان برای ورود به بازار کار نشان داد

که از دیدگاه پاسخگویان و دانش‌آموختگان تهران در پیدا کردن شغل (آموزش به روز دانشجویان و دانش‌آموختگان و مرتبط با نیاز بازار کار و صنعت)، در راه اندازی شغل (در اولویت قراردادن افراد دارای تحصیلات دانشگاهی برای دریافت وام و تسهیلات)، و در عملکرد مؤثر پس از آغاز به کار برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با رشته و شغل، دوره‌های روانشناسی کار بیشترین اهمیت را دارند (محمدیان‌ماسوله و زمانی، ۱۳۹۲). در پژوهش‌هایی که صفا و شعبانعلی‌فمی، پزشکی‌راد و محتشم (۲۰۰۳) به بررسی و ارزیابی درونی برای بهبود کیفیت آموزش عالی کشاورزی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان داد، بهبود شیوه‌های تدریس، بهبود برنامه درسی، استفاده بهینه از ابزار کمک آموزشی و محتوا، بهبود شیوه‌های کمک آموزشی، به‌کارگیری شیوه تدریس تعاملی و به‌روز بودن محتوای ارائه درس‌های رشته‌های کشاورزی باعث افزایش کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها می‌شود.

باتیستا (۲۰۱۶) در بررسی‌های خود با موضوع دستیابی صلاحیت‌های عمومی در دانشجویان مهندسی کشاورزی در دانشگاه پلی‌تکنیک والنسیا در اسپانیا انجام داده به این نتیجه رسیده است که کلاس‌های درس در صورتی که رهیافت تدریس مبتنی بر حل مسئله توسط آموزشگران کارآموده باشد، می‌تواند فرصتی برای کسب مهارت‌های عمومی برای دانشجویان به شمار آید. این در حالی است که بیشتر کلاس‌های درس به شیوه سخنرانی و با رویکرد آموزش بانکی اداره می‌شود. در پژوهشی کومار (۲۰۱۶)، به بررسی مدلی برای احیای آموزش عالی کشاورزی در هند پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که نظریه‌های بازاریابی و مفهوم‌هایی که هم‌اکنون در آموزش عالی کشاورزی در سراسر جهان استفاده می‌شود، در زمینه آموزش عالی کشاورزی مورد توجه قرار نگرفته است. علیزاده آ و همکاران (۲۰۱۶) در تحلیل مؤلفه‌های اثربخش در تغییر و دگرگونی نظام آموزشی

را به شرح زیر مطرح کرد که عمده‌ترین راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی با استفاده از نظریه بنیانی کدام‌اند:

### روش‌شناسی

این تحقیق از لحاظ دیدمان در گروه تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد و از بُعد روش از نظریه بنیانی بهره برده است. نظریه بنیانی روش و فرآیندی را برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام و تبیین نظریه‌ها ارائه می‌دهد. بر مبنای این رویکرد، محققان به طور ساختارمند داده‌های تجربی را تجزیه و تحلیل می‌کنند و بر مبنای این تحلیل‌ها، مفهومی‌ها و نظریه‌هایی را تبیین می‌کنند (لیو و همکاران، ۲۰۱۹). در این روش پژوهشگر، مصاحبه با نمونه‌ها را از افرادی که دارای اطلاعات نسبتاً زیادی در مورد سوال تحقیق هستند، شروع می‌کند و مصاحبه‌ها را تا رسیدن به اشباع ادامه می‌دهد. منظور از اشباع مرحله‌ای است که با اضافه شدن نمونه‌ی جدید اطلاع جدیدی حاصل نمی‌شود. جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل ۳۲ نفر از اعضای هیئت علمی، دانش‌آموختگان، کارآفرینان کشاورزی و مدیران جهاد کشاورزی در استان زنجان بودند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌ی عمیق صورت گرفت. مصاحبه‌ها با پرسش‌های کلی و ساده شروع و به سمت پرسش‌های جزئی‌تر پیش رفت. هر مصاحبه بطور متوسط ۷۵ دقیقه به طول انجامید و تمام مصاحبه‌ها ضبط و دست‌نویس شد و به تأیید مصاحبه‌شوندگان رسید. تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در قالب کدگذاری‌های متداول نظریه مبنایی انجام شد. نظریه مبنایی یا نظریه‌ی زمینه‌ای نوعی نظریه‌پردازی بر مبنای داده‌های گردآوری شده از میدان تحقیق قلمداد می‌شود، این روش با فرضیه ساختارمند آغاز نمی‌شود و قصد آزمون نظریه‌ای را ندارد بلکه بعد از جمع‌آوری اطلاعات در تحلیل‌های خویش از نظریه استفاده می‌کند و تفسیر

در آموزش عالی کشاورزی در ایران بر وجود مسئله‌ها و چالش‌های بسیاری تأکید کرده‌اند و ضرورت دگرگونی راهبردی و هماهنگ شده در این نظام را در سه سطح زیر آشکار کرده است: الف) نوآوری در نظام آموزش عالی در ایران؛ ب) دگرگونی در مرکزها و مؤسسه‌های آموزش عالی کشاورزی در ایران؛ ج) بهبود کیفیت آموزشی در بین دانشجویان. دولوات و رای (۲۰۰۵) باور دارند که بررسی سطح رضایت دانشجویان می‌تواند به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری عملکرد سازمان‌های آموزشی در آموزش عالی کشاورزی استفاده شود.

بررسی پیشینه تحقیق نشان داد تحقیقات انجام شده به صورت موردی بوده و خلأ انجام پژوهشی که راهکارهایی برای حل مسئله‌ها و نارسایی‌های نظام آموزش عالی کشاورزی بررسی کرده باشند، مشهود بود. افزون بر این، بیشتر تحقیقات با توجه به ضرورت‌ها و اثر زمانی حل مسئله را بررسی نکرده‌اند. با این حال و با در نظر گرفتن شرایط کشور باید اذعان کرد که آموزش عالی کشاورزی هم‌اکنون با چالش‌ها و تنگناهای پرشماری روبه‌روست و بایستی راهکارهای حل آنها شناسایی و تبیین شود. بنابراین هدف این تحقیق بررسی مهم‌ترین راهکارهای بهبود آموزش عالی کشاورزی در ایران بود.

### هدف تحقیق

با توجه به اهمیت آموزش عالی کشاورزی در ایران و تأثیر آن بر ابعاد ابعاد رشد و توسعه نیروی انسانی، اقتصادی و کشاورزی، بحث در زمینه توسعه دانشکده‌های کشاورزی اهمیت بسیاری دارد. بنابراین پژوهش به دنبال آن است تا با بررسی علمی و تبیین دقیق راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی گامی نو در جهت پیشبرد هدف‌های نظام آموزش عالی کشاورزی کشور برداشته شود. بر این مبنای می‌توان پرسش اصلی تحقیق

و تحلیل عمیق داده‌ها نقش مهمی را در آن ایفا می‌کند که در صورت طی شدن تمام مراحل می‌تواند به تبیین نظریه‌ای منتهی شود، روش‌های تحقیق کیفی با تأکید بر نظریه مبنایی عموماً جزء روش‌های خرد با استراتژی‌های استقرایی محسوب می‌شوند (آریان، ۱۳۸۹). معمولاً زمانی از نظریه بنیادی استفاده می‌شود که موضوع مورد نظر در بخش مروری بر ادبیات تحقیق، تا حدودی نادیده گرفته شده باشد. اما در مورد پدیده‌هایی که دارای پیشینه‌ی تحقیق تجربی و موثقی نیز می‌باشند می‌توان از این روش استفاده نمود با این شرط که محقق باید از پیش‌داوری یا تحت تأثیر قرار گرفتن تحقیقات پیشین و تأکید بر نظرات شخصی اجتناب نماید (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷). از آنجا که پژوهش کیفی راهی برای رسیدن به محتوای ذهنی افراد است و نمی‌توان آن را از طریق روش‌های سخت و دقیق کمی انجام داد، ابزارها و روش‌های آن نیز بسیار متفاوت هستند. نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی بسیار متفاوت از پژوهش‌های کمی است زیرا هدف آن به جای تعمیم یافته‌ها کسب درک عمیق از پدیده‌ی مورد بررسی است. در پژوهش کمی تأکید زیادی بر انتخاب تصادفی و شانس برابر برای همه اعضای جامعه مورد پژوهش وجود دارد اما در پژوهش کیفی نمونه پژوهش یا به عبارت صحیح‌تر مشارکت‌کنندگان، انتخاب یا دعوت می‌شوند. به همین دلیل است که اغلب در پژوهش‌های کیفی به جای نمونه از مشارکت‌کنندگان و به جای نمونه‌گیری از انتخاب موارد یا مشارکت‌کنندگان نام برده می‌شود. منطق و قدرت انتخاب نمونه، به این مفهوم باز می‌گردد که نمونه‌های انتخاب شده بیشترین میزان اطلاعات را بر اساس سوال پژوهش فراهم آورند. این توجه ویژه به هدف پژوهش موجب نامگذاری این نوع نمونه‌گیری به نمونه‌گیری هدفمند شده است که به معنای انتخاب هدفدار واحدهای پژوهش برای کسب دانش یا اطلاعات می‌باشد. نمونه‌گیری نظری به عنوان

یکی از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند، روش غالب در تئوری زمینه‌ای شناخته می‌شود که در آن نمونه‌ها به شکلی انتخاب می‌شوند که به خلق تئوری کمک کنند. در این روش پایان نمونه‌گیری بر اساس داده‌های مشخص می‌شود. به عبارتی نقطه‌ی پایان نمونه‌گیری یا نقطه‌ی اشباع زمانی است که داده‌ی بیشتری که بتواند موجب توسعه، تعدیل، بزرگتر شدن یا اضافه شدن به تئوری موجود گردد، به پژوهش وارد نشود. و پس از آن پژوهشگر تصمیم می‌گیرد که به مرحله‌ی جمع‌آوری اطلاعات خاتمه دهد. البته باید این حقیقت را نیز در نظر گرفت که اشباع بیش از آن که یک حقیقت باشد یک هدف است. چون با وجود اعتقاد به این که به اشباع رسیده‌ایم امکان تغییر در طبقات و خصوصیات آن‌ها با تغییر نگرش وجود دارد. این فرآیندی است که به عقیده اشتراوس و کوربین یک فرآیند بی‌پایان است و تغییر نگرش افراد در هر مرحله‌ای حتی در زمان مرور مقاله برای چاپ ممکن است رخ دهد و رسیدن به اشباع تنها یک وقفه‌ی موقت در کار است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱). به منظور انتخاب مشارکت‌کنندگان از نمونه‌گیری نظری به شیوه هدفمند استفاده شده است که شامل موارد بارز (مصاحبه با افراد باتجربه و شناخته شده) و گلوله‌برفی (مصاحبه با افراد معرفی شده از سوی دیگر نمونه‌ها)، برای رسیدن به آستانه سودمندی است. اعضای هیئت علمی که در زمینه‌های همسو با آموزش عالی کشاورزی از جمله زمینه‌های مدیریتی، تدریس و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی دارای اطلاعات غنی بودند ۳۲ نفر به صورت هدفمند انتخاب شد و این کار تا جایی ادامه یافت که آستانه سودمندی حاصل شد. همچنین مصاحبه با دانش‌آموختگان، کارآفرینان کشاورزی و مدیران جهاد کشاورزی زنجان نیز تا زمان اشباع داده‌ها، ادامه یافت. پس از تجزیه و تحلیل متن‌های یادداشت شده در مصاحبه‌ها، به آستانه سودمندی دستیابی شد.



فرآیند کار در نظریه بنیانی با مشخص کردن پرسش‌های تحقیق آغاز شد (نامدار و همکاران، ۲۰۱۸). پرسش‌هایی در راستای هدف‌های تحقیق، تنظیم و پیش از اجرای مصاحبه و برای اطمینان از روایی یافته‌ها و میزان دقت، با استاد راهنما بررسی و آنگاه با برنامه‌ریزی انجام شده و تعیین وقت قبلی، این پرسش‌ها در مصاحبه‌های انفرادی

جدول ۱: مفهوما و مقوله‌های استخراج شده در کدگذاری محوری

ردیف	کدگذاری محوری
۱	ایجاد بستر ارتباط و تعامل دانشگاه‌ها با مراکزهای اجرایی و پژوهشی
۲	فرهنگ سازی و ایجاد دوره‌ها و کارگاه‌های مهارت آموزی برای دانشجویان
۳	طراحی و احیا دوره‌های آموزش‌های غیررسمی و کوتاه مدت برای تربیت کاردان و کارشناس ماهر
۴	انعطاف و پیوستگی واحدها و زمینه‌های موضوعی آموزشی با رویکرد آموزش کارآفرینی
۵	طراحی و بسترسازی برنامه‌های تحول آفرین و نوآور در دانشگاه‌ها و عملیات کشاورزی
۶	ایجاد کشتزارهای آموزشی و نمایشی منطبق با علوم نوین برای افزایش ارتباط‌ها و تجربه آموزی در دانشگاه‌ها
۷	تدوین و ترسیم رسالت و چشم‌انداز راهبردی و روشن در سیاست گذاری آموزش عالی کشاورزی
۸	ظرفیت سازی و ایجاد تناسب آموزشی و آگاهی بخشی به دانش‌آموختگان کشاورزی با نیاز بازار کار
۹	افزایش اعتماد به توانمندی‌های دانشجویان در زمینه سپردن مأموریت‌ها
۱۰	پشتیبانی مالی دانشجویان و دانش‌آموختگان برای جلوگیری از رغبت به مقطع‌های تحصیلی به صرف دستیابی به درآمد و منزلت شغلی بهتر و بالاتر
۱۱	تدوین و ایجاد تعادل در محتوای آموزشی و درس‌های عملی با کاهش واحدها نظری و کمی
۱۲	ایجاد دفترهای مشاوره‌ای و ارائه تسهیلات ویژه به دانشجویان و دانش‌آموختگان کشاورزی
۱۳	حمایت از راه‌اندازی کسب و کار و کارآفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی
۱۴	حمایت و استفاده از ابزارهای تشویقی برای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی
۱۵	تأسیس و حمایت از شرکت‌های دانش بنیان، فن بازار و کسب و کارهای نوپای کشاورزی
۱۶	برگزاری نشست و گردهمایی برای ارتباط دانشجویان با کارآفرینان و الگوهای موفق
۱۷	ایجاد فضای علمی و اختصاص بودجه برای انجام پروژه‌ها و پژوهش‌های کاربردی و علمی دانشجویی
۱۸	ترویج کارآفرینی در مقطع‌های مختلف تحصیلی برای استعدادیابی دانش‌آموختگان
۱۹	ایجاد فضای همکاری و ارتباط استادان با دفترهای صنعتی و بخش‌های اجرایی برای مسئله‌یابی
۲۰	تجهیز ابزار و امکانات به روز در آزمایشگاه‌ها برای ارائه واحدهای درسی
۲۱	نظارت و ارتقا کیفی دانش و تخصص‌های بین رشته‌ای در گروه‌ها و دانشجویان با دوره‌های هم‌افزایی و هم‌اندیشی
۲۲	آگاهی بخشی و شناساندن رشته‌های کشاورزی به جامعه با تعریف رشته‌های متناسب با بوم منطقه
۲۳	ایجاد و تقویت رشته‌های بین رشته‌ای در کشاورزی

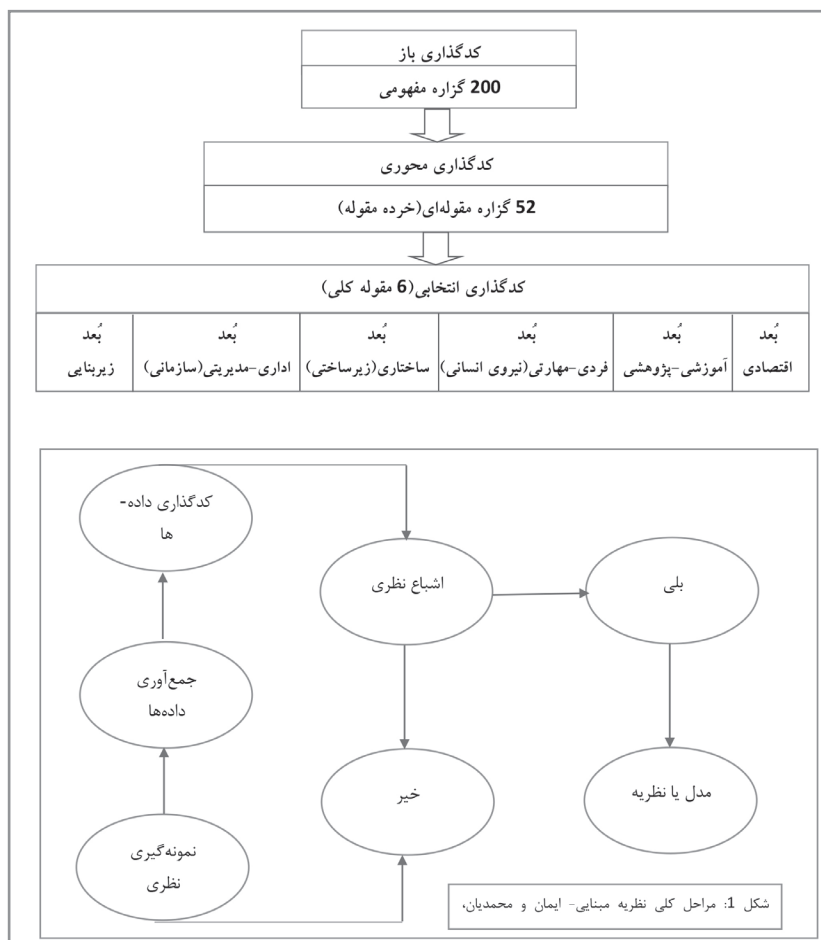
ادامه جدول ۱: مفهوم‌ها و مقوله‌های استخراج شده در کدگذاری محوری

ردیف	کدگذاری محوری
۲۴	تمرکز بر حل مسئله‌های روز ملی و منطقه ای و نیاز به محورسازی دانشکده های کشاورزی
۲۵	ایجاد سامانه های اطلاعاتی نیروی انسانی کشاورزی پیشرو و نخبه در راستای سیاست گذاری و تصمیم گیری
۲۶	تقویت کمی و کیفی واحدهای عملی کشاورزی در راستای توانمندسازی دانشجویان
۲۷	انعطاف و به روزرسانی سرفصل ها و تقویت محتوای آموزشی مورد نیاز رشته های کشاورزی
۲۸	تدوین و تاکید بر تربیت دانشجویان توانمند و کارآفرین به لحاظ کمی و کیفی برای بخش مدیریتی و ماموریت
۲۹	بهره گیری از دانش آموختگان کشاورزی به عنوان ناظر و گروه‌های مشاوره ای در بخش اجرا
۳۰	بازنگری کلی و ضروری در برنامه ها و ماهیت رشته های کشاورزی در ارتباط با صنعت با انعطاف پذیری در رشته ها و گرایش‌ها
۳۱	بازنگری و اصلاح آیین نامه ارتقا استادان با محوریت ارتباط با جامعه و صنعت
۳۲	ارائه کارگاه های روش تدریس نوین در قالب مهارت افزایی به آموزشگران
۳۳	تقاضامحور کردن نیروی انسانی توانمند برای ورود به دانشگاه
۳۴	سرمایه گذاری و تجاری سازی بخش های ضروری و دانش بنیان در کشاورزی
۳۵	اولویت بندی شغلی در برنامه ریزی های آموزش عالی کشاورزی
۳۶	تعدیل و تقاضا محور کردن مجوز راه اندازی مؤسسه‌ها و رشته های کشاورزی غیردولتی
۳۷	افزایش مشارکت و تشکیل هسته های علمی و کاربردی در فرآیند یاددهی-یادگیری
۳۸	تمرکز و تخصیص بودجه ها برای مسئله‌محور کردن پایان نامه‌ها
۳۹	اصلاح سبک آموزش های دانشجویی مرتبط با مسئله‌های روز کشور و جهان
۴۰	استفاده از تجربه‌های آموزشی و پژوهشی هیات علمی در بخش های اجرایی و کلان
۴۱	قانون گذاری و تغییر نظام جذب دانشجویان با محوریت ورود افراد علاقه مند به رشته های کشاورزی
۴۲	اصلاح حکمرانی در بخش کشاورزی با استفاده از افراد موثر
۴۳	الگوبرداری درست از شیوه های آموزشی دانشگاه های موفق داخلی و خارجی
۴۴	ایجاد فضای همکاری و ارتباط با نهادهای ملی و بین المللی در دانشکده های کشاورزی
۴۵	تاسیس شرکت های تعاملی و تحقیقاتی در زمینه امور پژوهشی درون و بیرون دانشگاه
۴۶	مسئله محور کردن پژوهش ها و پروژه هایی دانشگاهی و حوزه های علم و فناوری
۴۷	بهبود کیفیت اجرای درس های کارورزی و کارآموزی
۴۸	کاهش دید تولید آمار دانشگاهی در دانشگاه ها
۴۹	ارائه نقش آسانگری رشته های ترویج و توسعه کشاورزی
۵۰	افزایش گردش‌ها و بازدیدهای علمی در بخش های مختلف کشاورزی
۵۱	ایجاد و ساخت و حمایت دانشگاه های کارآفرین
۵۲	بهبود کیفیت و بهره وری در نظام آموزش عالی کشاورزی

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد کدگذاری راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی در ۵۲ خرده مقوله

دسته‌بندی شد.





شکل 2: مراحل کلی نظریه مبنایی- ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷

## تحلیل

تحلیل عنصرهای مدل مفهومی گویای اهمیت آموزش عالی کشاورزی در ایران و تأثیر آن بر همه‌ی ابعاد رشد و توسعه انسانی می‌باشد. بررسی علمی و دقیق راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی می‌تواند گامی نو در جهت پیشبرد هدف‌های نظام آموزش عالی کشاورزی باشد. از این رو هدف این پژوهش شناسایی راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی با استفاده از داده‌های تجربی بودند. بر مبنای یافته‌ها راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی عبارت بودند از: مؤلفه‌های اقتصادی، آموزشی-پژوهشی، ساختاری (زیرساختی-فتاوریانه‌ای)، زیربنایی، اداری-مدیریتی (سازمانی)، فردی-مهارتی. این یافته‌ها تا حدودی با نتایج بررسی‌های

انجام شده (تقی‌بیگی و همکاران، ۱۳۹۹)، (فلاح‌حقیقی و همکاران، ۱۳۹۹)، (پورجاوید و همکاران، ۱۳۹۹)، (سواریمبینی، ۱۳۹۸)، (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳)، (محمدیان و زمانی، ۱۳۹۲)، (بیبین و کبیرت، ۲۰۱۷)، (باتیستا، ۲۰۱۶)، (کومار، ۲۰۱۶)، (علیزاده، ۲۰۱۶)، (صفا و شعبانعلی فمی، ۲۰۰۸)، (پزشکی‌راد و محتشمی، ۲۰۰۳) هم‌راستا است.

۱- بُعد آموزشی-پژوهشی: با توجه به مدل مفهومی، بُعد آموزشی-پژوهشی به عنوان مهم‌ترین مقوله‌ای که پدیده مورد نظر یعنی کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد در نظر گرفته شد. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین فرآیندهای نظام آموزش عالی کشاورزی، فرآیند مربوط به بُعد آموزش-پژوهشی است.

فراگیران اکتفا کرده که این نبود مشارکت و درگیری فراگیران سبب بی‌انگیزگی و نبود زمینه یادگیری عمیق در آنان شده است. اما از لحاظ میزان اهمیت مربوط به فعالیت‌های ضمن تدریس یعنی «آگاهی دادن به فراگیران در زمینه اهمیت، کاربرد و کارکرد دانش و مهارت‌های کسب شده هنگام یادگیری»، «تأکید بر سطح‌های عالی‌تر یادگیری» و «تأکید بر رشد همه جانبه فراگیران» دارای اهمیت بالاتری و اولویت بالاتری هستند که تا حدودی و نه به طور کامل در آموزش عالی کشاورزی از سوی آموزشگران مورد توجه قرار می‌گیرند. آخرین ملاک مربوط به وظیفه و کارکرد آموزشگر ملاک فعالیت‌های پس از تدریس است که از دید مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های پس از تدریس به ترتیب اهمیت «توجه و بها دادن به تلاش فراگیران»، «ارائه بازخوردهای لازم به دانشجویان در مورد یادگیری» و «گزارش خواستن از فراگیران در مورد امتحان» قرار دارند. از دیگر راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی مسئله‌محور کردن پژوهش‌های دانشگاهی می‌باشد. مسئله محور کردن پژوهش‌های دانشگاهی یکی از راه‌های کاربردی کردن پژوهش‌هاست. آموزش‌ها و پژوهش‌ها باید مسئله را مورد هدف قرار دهند و تغییرپذیری‌هایی را به وجود آورند که باعث رفع مسئله‌ها و چالش‌ها در نظام آموزش عالی کشاورزی شود. از دیگر راهکارهای مهم بهبود آموزش عالی کشاورزی می‌توان به مقوله تقویت کمی و کیفی واحدهای عملی در راستای توانمندسازی و تجربه‌آموزی نیز اشاره کرد. یکی از وظیفه‌های آموزش عالی کشاورزی تقویت کمی و کیفی واحدهای عملی می‌باشد. به این منظور باید از فعالیت‌های آموزشی گوناگون برای توانمندسازی فراگیران در راستای دستیابی به این مهم بهره برد. با فراهم آوردن این شرایط که دانشجویان خود مستقیم پدیده‌ها را دیده و کسب تجربه کنند، یادگیری در همه دوران زندگی در آنان شکل خواهد گرفت. ارائه

در تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، از جمله مهم‌ترین راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی مربوط به بخش آموزشی و پژوهشی نیز می‌باشد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: به کارگیری روش‌ها و سبک‌های نوین تدریس در قالب اثربخشی، مسئله-محور کردن پژوهش‌های دانشگاهی، تقویت کمی و کیفی واحدهای عملی در راستای توانمندسازی و تجربه‌آموزی، ارائه برنامه و محتوای درسی متناسب با نیازهای کاربردی کشور. به باور مشارکت‌کنندگان انتخاب دقیق و مناسب عنوان‌ها و سرفصل و محتوای درس‌ها مناسب با نیازهای کاربردی کشور می‌تواند به تربیت نیروهای ماهر و متخصص به منظور رفع نیازهای جامعه منجر شود. از جمله هدف‌های آموزش، پرورش افراد به عنوان یک انسان توانمند است که بتواند به طور مستقل و در جهت هدف‌های جامعه فعالیت کند. همچنین در تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، از راهکارهای بهبود نظام آموزش کشاورزی به کارگیری روش‌ها و سبک‌های نوین تدریس در قالب اثربخشی اشاره کرد: از نظر مشارکت‌کنندگان در زمینه تدریس یا وظیفه و کارکرد آموزشگر، سه ملاک فعالیت‌های پیش از تدریس، ضمن تدریس و پس از تدریس قرار دارد در بعد فعالیت‌های پیش از تدریس «آشنایی با روش تدریس»، «طراحی تدریس به طریقی که توازن مطلوبی بین کمی و کیفیت یادگیری وجود داشته باشد» و «آشنایی با روش تدریس نوین» دارای اهمیت فراوانی است در ارتباط با نقش‌های آموزشگر لازم است پیش از تدریس روش‌های بهینه بررسی و یادگیری و آموزش آن به فراگیر کشاورزی را فراگرفته و ضمن تدریس به کارگیرد. متأسفانه و همان‌طور که گفته شد امروزه اعضای هیئت علمی کشاورزی توجه جدی به چگونگی روش آموزش به ویژه آموزش‌های عملی و ارائه بهینه مطالب به فراگیران را ندارند و در آن زمینه آموزش‌هایی ندیده‌اند و تنها به روش‌های سخنرانی و ارائه یک‌سویه مطالب به

برنامه و محتوای درسی متناسب با نیازهای کاربردی کشور یکی دیگر از راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی می‌باشد. در این زمینه مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که محتوا و برنامه درسی دارای دو ملاک مشارکتی و توجیهی است که در بعد مشارکتی «گنجاندن هدف‌های مورد نظر استاد و دانشجو در محتوا و تدوین سرفصل‌ها با مشارکت استاد و دانشجو» دارای اهمیت بالاتری هستند. به عبارتی از نظر مشارکت‌کنندگان ضرورت دارد که طراحی محتوا و برنامه و سرفصل‌های درسی با مشارکت استاد و دانشجو انجام شود و هدف‌های آنان در طراحی سرفصل‌ها مدنظر قرار گیرد. در بُعد توجیهی نیز از دیدگاه مشارکت‌کنندگان «پاسخگویی محتوا و سرفصل به نیازهای بازار کار» و «تأکید بر چگونگی و روش یادگیری فراگیر در تدوین محتوای درسی» نیز اهمیت بالاتری داشته است. لذا مشارکت‌کنندگان باور دارند که محتوای درسی و سرفصل‌ها بایستی به گونه‌ای تنظیم شود که پاسخگویی انتظارات بازار کار بوده و به عبارتی در فراگیر دانش و مهارت لازم را برای فعالیت در محیط بیرون ایجاد کند.

۲- بُعد ساختاری (زیرساختی-تکنولوژی): با توجه به مدل مفهومی ارائه شده یکی دیگر از مولفه‌های موجود در بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی، اشاره به مسئله‌هایی دارد که در ساختار نظام آموزش عالی کشاورزی وجود داشته و باعث بهبود ساختار این نظام شود. راهکارهای مربوط به بخش ساختاری که باعث بهبود و بهره‌وری نظام آموزش عالی کشاورزی می‌باشند عبارت‌اند از: اختصاص منابع‌ها و امکانات لازم به دانشگاه‌ها، آگاهی بخشی و تقویت تخصص‌های بین‌رشته‌ای در دانشگاه‌ها، ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی نیروی انسانی در دانشگاه‌ها و ارتقا و کارآمدی در هدف و محتوای آموزشی. عامل ارتقا و کارآمدی محتوای آموزشی جزو مولفه‌های موثر در تبیین کیفیت آموزش عالی کشاورزی می‌باشد. لذا در طراحی هدف‌ها و تدوین محتوای برنامه‌های آموزش

عالی کشاورزی مواردی مانند جامع بودن، قابلیت تحقق، توجه به سلیقه‌ها و گرایش دانشجویان، عملی بودن و دقیق و روشن بودن (هدف‌های آموزشی) و نیز مواردی مانند متناسب بودن درس‌های نظری و عملی، جدید بودن مطالب درسی، ارتباط موضوع‌های درسی با نیازهای جامعه کشاورزی، کاربردی بودن محتوای ارائه شده، قابل درک بودن محتوا، ارتباط درس‌ها ارائه شده با یکدیگر، جذاب بودن محتوای درس‌ها برای دانشجویان (محتوای آموزشی) مورد توجه قرار گیرند. یکی دیگر از راهکارهای بهبود آموزش کشاورزی در بُعد ساختاری ایجاد سامانه اطلاعاتی نیروی انسانی در دانشگاه‌ها می‌باشد. همچنین از جمله راهکارهای بهبود این نظام آگاهی بخشی و تقویت تخصص‌های بین‌رشته‌ای در دانشگاه‌ها بود که مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند، فراگیران به ندرت میان کلاس درس و جهان واقعی پیوند برقرار می‌کنند و آموزش، آگاهی‌بخشی و تقویت رشته‌های بین رشته‌ای کمک می‌کند محتوا و رشد مهارت یکپارچه شوند. دانشجوی آینده یک کشاورز باید باشد. او باید بتواند از اهمیت یادگیری از طریق پژوهش، کشف و برقراری ارتباط بین رشته‌های مختلف آگاه باشد. از این رو، مهارت‌های مهم و کلیدی مانند مهارت‌های تفکر، مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی، مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های مطالعه به عنوان هدف‌های کلیدی برنامه‌های درسی بین‌رشته‌ای بر مبنای رشته علمی تعیین و رشته‌ها و واحدهای درسی که باید به آن پردازند، مشخص شوند و اولویت‌های محتوایی و فعالیت‌ها و تجربه‌ها یادگیری و راهبرهای یاددهی و یادگیری بر مبنای آن‌ها برانگیخته شوند. اختصاص منابع‌ها و امکانات لازم به دانشگاه‌ها راهکار مهم دیگری بود. چگونگی روش تأمین منابع‌ها و امکانات تأثیرهای مختلفی بر عملیات مؤسسه‌های آموزش عالی علوم پایه و آموزش عالی کشاورزی مانند

برابری دسترسی، خودمختاری و استقلال این مراکزهای آموزشی، رقابت بین مؤسسه‌های، پایداری مؤسسه‌های، پاسخ به نیاز دانشجویان و بازار کار، کیفیت آموزش و ... دارد.

۳- بُعد زیربنایی: با توجه به مدل مفهومی، بُعد زیربنایی از دیگر عامل‌های مهمی است که کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ابعاد زیربنایی از جمله ابعادی هستند که در زیربنای آموزشی وجود داشته و بر اجرای اثربخش فعالیت‌های عمده و مهم نظام آموزشی مانند طراحی و بسترسازی برنامه‌های تحول آفرین و نوآور در دانشگاه‌ها، توجه دانشگاه‌ها به کارآفرینی به عنوان یکی از مأموریت‌های اصلی دانشگاه، بازنگری و اصلاح در ماهیت رشته‌های کشاورزی و قانون‌گذاری و اصلاح حکمرانی در بخش کشاورزی اثر می‌گذارد. گسترش روزافزون فرصت‌های آموزشی، محیط دگرگون را برای مؤسسه‌های آموزش عالی در همه جای جهان به وجود آورده است. این محیط دگرگون به نوبه خود در سطح‌های ملی و بین‌المللی، هم به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و هم به نهادهای دولتی فشار می‌آورد که مفهوم‌ها، ساختارها، روش‌ها و نمودهای سنتی خود را دگرگون سازند و توسعه بدهند. لذا، رسالت مراکزهای آموزش عالی علوم پایه، آموزش عالی کشاورزی و دانشگاه‌ها که منبعت از تعامل استادان، مدیران و دانشجویان برای تحقق هدف‌های ویژه و مشترک علمی است، همواره تحول آفرینی و بسترسازی برای برنامه‌های نوآور خواهد بود. در این زمینه مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که جامعه در حال پیشرفت ما به شدت نیازمند یک دیدگاه آموزشی جدید و در عین حال چابک است که هم نوعی فلسفه توسعه آموزشی-پرورشی باشد و هم بتواند چشم‌انداز روشنی از آینده آموزش کشور ترسیم کند. ترسیم دیدگاهی تحول‌گرا در آموزش عالی آغازگر دگرگونی‌های گسترده علمی برای رقم زدن نظام آموزش

عالی علوم پایه و آموزش عالی کشاورزی است. همچنین بر مبنای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، کشور بایستی جایگاه اول علمی و اقتصادی را تا ۲۰ سال آینده در بین کشورهای همسایه، خاورمیانه و آسیای میانه کسب کند و این امر بدون توجه به آموزش عالی و دانشگاه‌ها به منظور ارتقای کیفیت نیروهای انسانی ناممکن است. بنابراین، ضرورت توجه به دگرگونی آموزشی در نظام آموزش عالی کشاورزی بیشتر نمود پیدا می‌کند. توجه دانشگاه‌ها به کارآفرینی به عنوان یکی از مأموریت‌های اصلی دانشگاه از دیگر راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی می‌باشد. امروزه مأموریت دانشگاه‌ها در بستر زمان، همگام با تغییرپذیری‌ها و دگرگونی‌های جهانی و در راستای پاسخگویی به نیازهای اقتصادی جامعه، از جمله مبحث اشتغال، ارتباط بین صنعت و دانشگاه و بهبود کارایی بهینه آموزش‌های دانشگاهی، دچار تغییر و دگرگونی شده و به سوی توسعه و تقویت کارآفرینانه در ساختار سازمانی و همچنین میان دانشجویان و دانشگاه‌ها در حرکت است. در این زمینه پیش‌روی به سوی دانشگاه‌های کارآفرین به عنوان یک راهبرد مهم در ساختار و محتوای دانشگاهی از سوی مشارکت‌کنندگان عنوان شد. از دیگر عامل‌های مهم راهکارها قانون‌گذاری و اصلاح حکمرانی در بخش کشاورزی می‌باشد. حکمرانی شامل تعامل بین نهادهای رسمی و جامعه مدنی است. حکمرانی به فرآیندی اطلاق می‌شود که به موجب آن عنصرها در جامعه دارای قدرت، اقتدار و نفوذ می‌شوند و سیاست‌ها و تصمیم‌هایی را در مورد کیفیت و بهره‌وری اتخاذ می‌کنند. بسیاری از تلاش‌های توسعه بین‌المللی شامل ارتقاء فناوری و دسترسی به منابع برای بهبود بهره‌وری کیفیت نظام آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه مربوط به اصلاح و حکمرانی خوب در این بخش می‌باشد. در این بخش نیز مشارکت‌کنندگان عنوان کردند که برای رسیدن به توسعه و پیشرفت در آموزش

عالی کشاورزی بایستی قانون‌ها و آیین‌نامه‌های موجود در صورت لزوم به منظور سازگاری آن‌ها با شرایط کنونی جامعه بازرنگری و اصلاح و نظام حکمرانی نوینی با استفاده از افراد اثرگذار تدوین شود. از دیگر راهکارهای اثربخش بهبود نظام آموزش کشاورزی از دید مشارکت‌کنندگان بازرنگری و اصلاح در ماهیت رشته‌های کشاورزی بود. با توجه به دگرگونی‌های جهان امروز، نیاز به بازرنگری و اصلاح در ماهیت رشته‌های کشاورزی امری ضروری به نظر می‌رسد. این امر به مشارکت گروه‌های مختلف نیاز دارد.

۴- بُعد اقتصادی: با توجه به مدل مفهومی، بُعد اقتصادی از دیگر عامل‌های کارآمد مهمی است که کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله راهکارهای مهم در این بخش می‌توان به بالا بردن زمینه خدمات و حمایت‌های دولت، افزایش تسهیلات اعتباری بانکی برای کارآفرینی و کسب و کارهای نوپا و سرمایه‌گذاری و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان اشاره کرد. به گفته مشارکت‌کنندگان یکی از راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی بالا بردن زمینه خدمات و حمایت‌های دولت از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی می‌باشد. حمایت مالی و اعتباری و داشتن سرمایه، تأثیر بسزایی در نقش‌آفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی برای فعالیت‌ها دارد. کم بودن مشوق‌های مالی دولتی و سخت بودن دریافت وام‌های کم‌بهره، دانش‌آموختگان جوان کشاورزی را به رفتن به سوی فعالیت‌های غیرکشاورزی و موثر چه در بخش کشاورزی چه در بخش‌های غیرکشاورزی سوق می‌دهد. از دیگر راهکارهای مهم بهبود آموزش عالی کشاورزی در بُعد اقتصادی افزایش تسهیلات اعتباری بانکی برای کارآفرینی و کسب و کارهای نوپا بود. نیروی انسانی کارآمد مهم‌ترین عامل توسعه بخش کشاورزی است که در یک زنجیره فعال نقش‌آفرین بوده و می‌تواند گام‌های مؤثری

را برای ایجاد خلاقیت و به‌کارگیری مهارت‌ها به‌کار گیرد و به عنوان یک نیروی کارآفرین در چرخه اقتصادی و تولید فعالیت کند. شواهد بیانگر ناتوانی بخش دولتی برای ارائه تسهیلات اعتباری کافی برای دانش‌آموختگان به کشاورزی از یک سو و بیکاری گسترده و هدررفت توانمندی بالقوه دانش‌آموختگان کشاورزی در فرآیند تولید و توسعه بخش کشاورزی از سوی دیگر است. در این رابطه دولت با افزایش تسهیلات اعتباری بانکی کم‌بهره برای کارآفرینی و اجرای درست سیاست‌های اشتغال‌زایی و واقع‌بینی و هماهنگی ساختارهای اداری برای حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه و کسب و کارهای نو اقدام‌های لازم را انجام دهد. واقعیت آن است که هیچ فعالیت کارآفرینانه‌ای بدون اتخاذ سیاست‌های کارآمد مناسب بخش دولتی به نتیجه مناسب نخواهد رسید. سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها به عنوان عامل مهمی است که سبب ایجاد فرصت‌ها و بروز توانایی کارآفرینانه می‌شوند. هر دولتی که متعهد به پشرفت اقتصادی است، باید زمینه حمایت‌های لازم را از همه‌ی جنبه‌های اقتصادی که حامی افزایش بسترهای کارآفرینی و کسب و کارهای نو هستند، فراهم سازد. سیاست‌ها باید راهگشای گسترش سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و برانگیزنده دانش‌آموختگان برای سرمایه‌گذاری بهینه در مرحله‌های نخست هر گونه کسب و کاری باشد. آسانگری دسترسی کارآفرینان به اعتبارات و به‌کارگیری شیوه‌هایی برای ایجاد واحدهای مبتنی بر دانش دانش‌آموختگان از جانب دولت‌ها، می‌توان نقش بسزایی در بسترسازی برای ایفای نقش کارآفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی داشته باشد. عامل مهم دیگر در بهبود آموزش عالی کشاورزی سرمایه‌گذاری و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشد توسعه کشاورزی از مهم‌ترین اولویت‌ها در برنامه‌های توسعه ملی کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. در الگوهای نوین توسعه کشاورزی، دانش و فناوری جایگاه



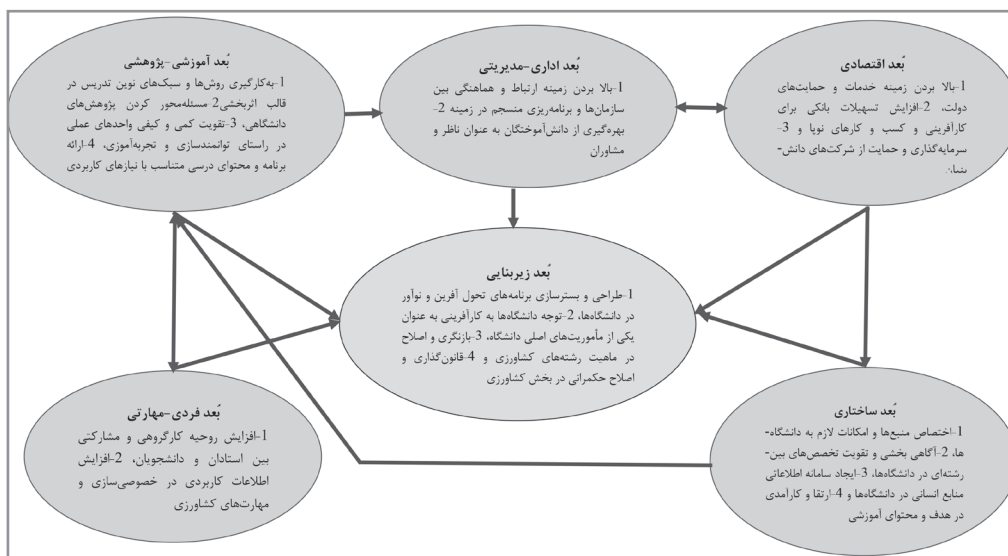
از جمله راهکارهای مهم برای بهبود نظام آموزش عالی به شمار می‌رود. داشتن مهارت‌های آموزشی و کشاورزی از جمله ابزار عمده توسعه بخش کشاورزی و در پی آن ایجاد اشتغال، کارآفرینی، آموزش، بویژه در سطح تحصیلات عالی است. بنابراین ساختار یک نظام آموزشی مناسب نقش مهم و انکارناپذیری در تحقق هدف‌های آن دارد.

۶- بُعد اداری-مدیریتی (تشکیلاتی): با توجه به مدل مفهومی، بُعد اداری-مدیریتی از دیگر عامل‌های مهمی است که کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر و گفته مشارکت‌کنندگان از جمله عامل‌های تأثیرگذار در این بخش بالا بردن زمینه ارتباط و هماهنگی بین سازمان‌ها و برنامه‌ریزی منسجم در زمینه بهره‌گیری از دانش‌آموختگان به عنوان ناظر و مشاوران می‌باشد. از نظر مشارکت‌کنندگان افزایش ارتباط منسجم بین بخش‌های اجرایی و دانشگاهی می‌تواند باعث اثربخش شدن فعالیت‌ها در هر دو بخش شود.

به دلیل اینکه هنگام کار با داده‌ها، رابطه میان رویدادها چندان مشخص و آشکار نیست در اختیار داشتن طرحی که با استفاده از آن سامان دادن به ارتباط‌های ایجاد شده الزامی شود الزامی است. بنابراین از یک مدل مفهومی برای برقراری ارتباط بین یک مقوله و خرده مقوله‌ها، استفاده شد.

مهمی در رشد و توسعه کشاورزی پایدار داشته است و از این‌الگوها با عنوان کشاورزی علمی، کشاورزی مبتنی بر دانش و فناوری و کشاورزی دانش‌بنیان یاد می‌شود. امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه در پرتو جهانی شدن، در کنار تلاش‌های خود برای رسیدن به پایداری، بهره‌وری، تحقق امنیت و برابری غذایی با چالش‌های بازارگرایی و رقابت‌مندی در بخش کشاورزی روبه‌رو هستند. تجربه‌های کشورهای مختلف نشان می‌دهد که شرکت‌های دانش‌بنیان در توسعه فناوری، رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال مولد نقش کارآمد و مؤثری دارند و به عبارتی موتور محرکه اقتصاد دانش‌بنیان، شرکت‌های دانش‌بنیان هستند. شرکت‌های دانش‌بنیان کشاورزی نیز از نظر ایجاد شغل، توسعه نوآوری و بهره‌برداری از فرصت‌های جدید، نقش مهمی در موفقیت اقتصاد کشور دارند. لذا با حمایت و سرمایه‌گذاری در این بخش می‌توان به توسعه بخش کشاورزی هم پرداخت.

۵- بُعد فردی-مهارتی: بُعد فردی-مهارتی از دیگر راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی به شمار می‌رود. افزایش روحیه و انگیزه کارگروهی و مشارکتی بین استادان و دانشجویان و افزایش اطلاعات کاربردی در زمینه مهارت‌های کشاورزی در ارتباط با راهکارهای فردی-مهارتی می‌باشند. انواع مختلفی از راهبردهای آموزشی وجود دارند که در آن‌ها از تعامل بین افراد در محیط یادگیری استفاده می‌شود. از جمله این راهبردها عبارت‌اند از: افزایش روحیه و انگیزه کارگروهی و مشارکتی بین استادان و دانشجویان، افزایش اطلاعات کاربردی در زمینه مهارت‌های کشاورزی. این تعامل‌ها ممکن است بین استادان، دانشجویان و افراد دیگری مانند کارشناسان مشاور انجام گیرد. هر چقدر تعامل‌ها و انگیزه کارگروهی و مشارکتی بین استادان و دانشجویان افزایش یابد فرآیند یادگیری و رسیدن به هدف‌های مشخص‌تر خواهد بود. افزایش اطلاعات کاربردی در زمینه مهارت‌های کشاورزی



## بحث و نتیجه‌گیری

نظام آموزش عالی به عنوان بارزترین نمود سرمایه‌گذاری نیروی انسانی، نقش اصلی در تربیت و تأمین نیروی انسانی کارآمد و اثربخش را بر عهده دارد. نظام آموزش عالی کشاورزی نیز از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به نتایج داده‌های به دست آمده در این تحقیق و مدل ناشی از این نتایج (شکل ۳)، می‌توان گفت از جمله راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه اعضای هیئت علمی، دانش‌آموختگان، کارآفرینان کشاورزی و مدیران جهاد کشاورزی گویای آن است که عمده‌ترین ابعاد مورد بررسی که در بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی تأثیرگذار است شامل ابعاد آموزشی-پژوهشی، ساختاری (زیرساختی)، زیربنایی، اداری-مدیریتی (سازمانی)، فردی-مهارتی (نیروی انسانی) و اقتصادی می‌باشد. همچنین نتایج به دست آمده از مدل مفهومی نشان داد که یکی از مهم‌ترین ابعاد که در بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی تأثیرگذار است بُعد آموزشی-پژوهشی می‌باشد.

با توجه به اهمیت بُعد آموزشی-پژوهشی در آموزش عالی کشاورزی، به منظور دستیابی نظام به هدف‌های کلان و چشم‌انداز خود، بایستی اصلاح و بازبینی در آن

بر مبنای شاخص‌هایی که دارای اهمیت و اولویت هستند مورد توجه قرار گیرد. راهکارهایی که در این فرآیند از دیدگاه مشارکت‌کنندگان وجود داشت و باعث بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی بود بررسی شد. سوختانلو (۱۳۹۶)، در پژوهش خود نشان داد که قابلیت‌های آموزش‌گران، شیوه‌های تدریس و آموزش، از جمله عامل‌های تأثیرگذار در نظام آموزش عالی کشاورزی کارآفرینانه می‌باشند. تقی‌بیگی و همکاران (۱۳۹۹) وظیفه و کارکرد آموزش‌گران یا تدریس، آموزش‌های ضمن خدمت، برنامه‌ریزی آموزشی و محیط یادگیری را نیز از متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی دانستند. یافته‌های این بخش با نتایج تحقیقات (سواری‌ممبینی، ۱۳۹۸)، (خسروی‌پورو همکاران، ۱۳۹۲)، (محسن‌پورکبریایی و همکاران، ۱۳۹۶)، (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲)، (باتیستا، ۲۰۱۶)، (زاد و فعلی، ۲۰۱۰)، (صفا و همکاران، ۲۰۰۸)، (فترستون و کلی، ۲۰۰۷)، (آلدریج، ۲۰۰۴)، (کلایات، ۲۰۰۱) هم‌راستا بود. همچنین نتایج این تحقیق، تحقیقات (موحدی و همکاران، ۲۰۱۰؛ صفا و شعبانعلی فمی، ۲۰۰۸؛ سعادت‌منند، ۲۰۰۶) را که استفاده از استادان با تجربه و متخصص را در بالا بردن کیفیت آموزش مؤثر می‌دانند، تأیید می‌کند.

نیروی انسانی کارآمد از جمله مهم‌ترین عامل‌های توسعه در هر جامعه‌ای به شمار می‌آیند که بی‌تردید برای دستیابی به توسعه پایدار و متعادل تربیت نیروی انسانی متخصص، کارآمد و شایسته از طریق مراکزها و نهادهای آموزشی و پژوهشی و پرداختن به ویژگی‌های فردی-مهارتی نیز یک اصل مؤثر و مهم به شمار می‌روند. نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش (جانبلای و همکاران، ۱۳۹۹)، (سواری‌ممبینی، ۱۳۹۸)، (باتیستا، ۲۰۱۶) هم‌راستا بود.

آموزش عالی کشاورزی برای پایدار ماندن نیازمند فراهم بودن یک چند عامل‌ها، ویژگی‌ها و شرایطی است که یکی از هدف‌های این تحقیق شناسایی این موردها بوده است. نتایج نشان داد یکی از این عامل‌ها مهم بُعد اقتصادی برای پایداری نظام آموزش عالی کشاورزی بود. البته یادآوری این نکته ضروری است که این عامل‌های در صورتی اثربخش خواهد بود که با دیگر عامل‌های یاد شده در تعامل و ارتباط دوسویه باشند. نتایج این تحقیق با یافته‌های (فلاح‌حقیقی، ۱۳۹۹)، (جانبلای و همکاران، ۱۳۹۹)، (پورجاوید و همکاران، ۱۳۹۹) و همکاران، (۱۳۹۲)، (زمانی و لاری، ۱۳۸۳)، (شهبازی و علی‌بیگی، ۱۳۸۵) و (زمانی و آزادی، ۱۳۸۱) هم‌راستا بود. دسته دیگری از عامل‌های تأثیرگذار مربوط به عامل‌های اداری-مدیریتی در نظام آموزش عالی کشاورزی است. نتایج این تحقیق با پژوهش‌های (سواری‌ممبینی، ۱۳۹۸)، (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۲) و (باتیستا، ۲۰۱۶) هم‌راستا می‌باشد.

### پیشنهادها:

با توجه به نتایج تحقیق و راهکارهای شناسایی شده پیش‌روی نظام آموزش عالی کشاورزی پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود؛

دسته دیگری از راهکارها، مربوط به بُعد ساختاری (زیرساختاری-فناورانه‌ای) در نظام آموزش عالی کشاورزی است که بخشی از این راهکارها ناشی از عملکرد بخش‌های آموزش-پژوهشی و بخشی نیز مربوط به بُعد اقتصادی می‌باشد. آنچه افراد مشارکت‌کننده از آن به عنوان راهکارهای ساختاری بیان کردند بیشتر مربوط به اختصاص منابع‌ها و امکانات لازم به دانشگاه‌ها، آگاهی بخشی و تقویت تخصص‌های بین‌رشته‌ای در دانشگاه‌ها، ایجاد سامانه اطلاعاتی نیروی انسانی در دانشگاه‌ها و ارتقا و کارآمدی در هدف و محتوای آموزشی بود. یافته‌های این بخش با نتایج (تقی‌بیگی و همکاران، ۱۳۹۹)، (خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲)، (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۲)، (خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸)، (صفا و همکاران، ۲۰۰۸)، (آهنچیان و همکاران، ۲۰۰۹)، (موحدی و همکاران، ۲۰۱۰)، صفا و شعبانعلی فمی، (۲۰۰۸)، (پزشکی راد و محتشمی، ۲۰۰۳)، (چمبرز، ۲۰۰۲) هم‌راستا بود.

دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی علوم پایه و آموزش عالی کشاورزی به عنوان شاخص‌ترین نهاد علمی که به امر پردازش انسان‌ها اهتمام می‌ورزند، موتور محرکه و مغز متفکر جامعه بوده و سکاندار حرکت به سمت توسعه و پیشرفت در جهان دگرگونی‌های گوناگون جهانی به شمار آیند به طوری که درصد بالایی از نوآوری‌های جامعه و توسعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی در کشورها بستگی به یک دانشگاه قوی در مسئله‌ها و زمینه‌های زیربنایی دارد. عامل‌ها زیربنایی از جمله عامل‌های تأثیرگذار در نظام آموزش عالی کشاورزی که بر اجرای اثربخش فعالیت‌های عمده و مهم نظام آموزشی اثر می‌گذارد. نتایج این تحقیق با پژوهش‌های (فلاح‌حقیقی، ۱۳۹۹)، (پورجاوید و همکاران، ۱۳۹۹)، (سوختانلو، ۲۰۱۶)، (علیزاده، ۲۰۱۶)، (بنت، ۲۰۱۰)، (فترستون و کلی، ۲۰۱۰) هم‌راستا بود.

۱- با توجه به اهمیت بعد آموزشی-پژوهشی در نظام آموزش عالی کشاورزی می‌توان گفت در صورتی که اعضای هیئت علمی بتوانند از روش‌ها و سبک‌های نوین و به‌روز تدریس مانند روش‌های فعال و مشارکتی به منظور زمینه‌سازی برای افزایش مشارکت یادگیرندگان در فرآیند یاددهی-یادگیری و بهره‌گیری از راهبردهای آموزشی گوناگون و روش‌های تدریس فعال و مشارکتی (آموزش دوسویه، تدریس متقابل، آموزش در محیط واقعی و ...) استفاده کنند این تجربه‌ها می‌تواند روش‌های مختلف تفکر و به دنبال آن آموزه‌های زیادی را در فراگیران پرورش دهد. بنابراین مدرس باید آشنایی و تسلط کافی به شیوه‌های نوین و به‌روز تدریس داشته باشد تا بتواند به طور مناسب از آن‌ها استفاده کند. استفاده از یک روش خاص مانند سخنرانی در همه‌ی شرایط نمی‌تواند سودمند باشد. بلکه ضروری است مدرس با در نظر گرفتن شرایط مختلف از روش‌های آموزش گوناگون استفاده کنند. بنابراین ضرورت دارد سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان در جهت تغییر نظام آموزشی به صورتی که فضای حاکم بر کلاس‌ها مشارکتی و همراه با همکاری باشد اقدام و محتوای کتاب‌ها به گونه‌ای بازبینی و تنظیم شود که تفکر انتقادی به عنوان یک راهبرد یادگیری عمیق، مطرح باشد. همچنین از طریق برگزاری کارگاه‌های روش تدریس، آموزش‌های حین خدمت و ... بستر مناسبی برای ارتقای تسلط و مهارت آموزشگران در این زمینه فراهم شود. دگرگونی در برنامه‌ریزی عملیاتی آموزش و پژوهشی، بین‌المللی‌سازی نظام آموزش عالی کشاورزی؛ برگزاری نشست‌ها و گردهمایی بین‌کارآفرینان و دانشجویان برای همسو کردن دانشگاه با بازار کار؛ همکاری با دانشگاه‌های داخلی برای آشنایی با هدف‌ها و برنامه‌های این دانشگاه‌ها بایستی مورد توجه قرار گیرد.

۲- در ارتباط با بُعد ساختاری (زیرساختاری-فتاوانه‌ای) در نظام آموزش عالی کشاورزی تأکید شود

که دانشکده‌ها و دانشگاه‌های کشاورزی با توجه به ویژگی خاصی که دارند از لحاظ ابزار و امکانات آموزشی به ویژه آموزش‌های عملی مورد توجه جدی قرار گیرند به طوری که همه‌ی ابزار و امکانات آزمایشگاهی، کشتزار آموزشی و نمایشی، گلخانه‌ها و مزرعه‌های دامپروری آن‌ها مجهز به فتاوری‌های به‌روز جهان باشند، که این امر می‌تواند در کسب تجربه و ایجاد یادگیری عمیق در فراگیران نقش بسزایی داشته باشد. از سوی دیگر محیط کلاس‌ها و سالن‌ها نیز ضروری است به گونه‌ای طراحی شود که سبب افزایش دانش فراگیران و ارائه جنبه‌های آموزنده و پیام‌های ترویجی باشند و سبب یادگیری فراگیران شود. همچنین به منظور ارتقاء توان ارتباطی استادان و پژوهشگران کشور ضروری است ابزار و امکانات و بودجه‌های لازم برای انجام پژوهش‌های مشارکتی، بنیادی و کاربردی با مشارکت پژوهشگران خارجی افزایش یابد و تحقیقات کشور تا ممکن به سوی پژوهش‌های مشارکتی جهت داده شود. به ایجاد انگیزه و فضا برای همکاری‌های بین‌المللی با دانشگاه‌های معتبر و مجهز خارجی به منظور آگاهی از سرفصل‌ها و هدف‌های آموزشی آنان و آگاهی به علم و فتاوری به روز کشاورزی از طریق انجام پروژه‌های مشترک مرکزهای آموزش عالی کشاورزی داخلی و مرکزهای آموزش عالی کشاورزی خارجی. ایجاد ارتباط میان دانشگاه‌های کشاورزی با نهادهایی مانند سازمان‌های جهاد کشاورزی و ... به منظور آگاه شدن از نیازهای بازار کار و دانش و فناوری به‌روز کشاورزی از طریق بازدیدهای مکرر دانشجویان از این واحدها و انجام طرح‌های تحقیقی با این واحد و گذراندن واحد کارآموزش در این مؤسسه‌ها. برای تقویت و به‌روز کردن پایگاه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی تخصصی به جداسازی گرایش‌های مختلف کشاورزی، بهره‌گیری از کارشناسان و متخصصان در زمینه‌های مختلف توجه لازم صورت گیرد.

مبارزه کنند و نفوذ اجتماعی خود برای جذب بودجه‌های دولتی و عمومی به کار گیرند. بسیاری از کشورها با هدف اعطای اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها، افزایش رقابت میان دانشگاه‌ها و تخصیص بودجه بر مبنای عملکرد و افزایش تجاری‌سازی تحقیقات دولتی، دست به اصلاح‌هایی زده و در جهت ارتقای ارتقای چابکی تلاش کرده‌اند. در این گونه کشورها دانشگاه نیز بیش از پیش از انتقال و تجاری‌سازی فت‌آوری حمایت می‌کنند. الگوی تبدیل دانشگاه سنتی به دانشگاه نسل سوم و کارآفرین به علت‌های بسیاری مانند توسعه درونی دانشگاه‌ها، تأثیر بیرونی بر ساختار دانشگاه‌ها و ... ضروری به نظر می‌رسد.

### پی‌نوشت:

- 1- Batista
- 2- Kumar
- 3- Alizadeh
- 4- Dulawat & Rai
- 5- Typical Case Sampling
- 6- Snowball sampling
- 7- Theoretical Saturation

۳- در ارتباط با بُعد زیربنایی در نظام آموزش عالی کشاورزی بازنگری در برخی سیاست‌ها، رویه‌ها و اقدام‌های کنونی دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و گروه‌ها: توجه کافی و شایسته گروه‌ها، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها به مقطع‌های کاردانی و کارشناسی در مقایسه با تحصیلات تکمیلی ضرورت دارد. تقویت رابطه‌های بین‌المللی و دعوت از استادان سرشناس خارجی در حوزه آموزش عالی کشاورزی. ایجاد واحدی در دانشگاه‌ها با وظیفه‌مندی رصد کردن نیازهای صنعت و جامعه و مربوط ساختن این نیازها در محتوای درس‌ها و کمک به تقاضا محور کردن پذیرش و آموزش دانشجو و کسب آمادگی دانشگاه‌ها برای تداوم احتمالی مسئله کاهش شمار دانشجویان در همه‌ی مقطع‌ها نیز می‌تواند در برنامه کار دانشگاه قرار گیرد.

۴- نقش اصلی دانشگاه‌ها در اقتصاد مبتنی بر دانش، گردآوری استعدادهاست. در اقتصاد مبتنی بر دانش، دانشگاه‌ها هم تأمین کننده‌ی سرمایه انسانی و هم بستری برای شکل‌گیری شرکت‌های نوپا و جدید هستند. با تغییرپذیری‌هایی که در نظام کنترل دولتی به وجود آمده، دانشگاه‌ها باید برای نقش اقتصادی خود

### منبع‌ها:

- (۱) آقداود، س.ر.، حاتمی، م.، و حکیمی‌نیا، ب. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر نوآوری سازمانی در میان مدیران. مطالعه موردی مدیران ارشد مخابرات استان اصفهان. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۱۷۰-۱۲۸.
- (۲) آریان، ع. (۱۳۸۹). معرفی روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی. کتاب ماه علوم اجتماعی. فروردین. شماره ۲۵. صص ۸۶-۹۵.
- (۳) ایمان، م.ت.، محمدیان، م. (۱۳۸۷). روش‌شناسی نظریه‌بنیادی. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. سال ۱۴. شماره ۵۶. صص ۳۱-۵۴.
- (۴) اسلامی، ا.، عباسی، ع.، و بیژنی، م. (۱۳۹۵). ساز و کارهای توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان در نظام آموزش عالی کشاورزی. نشریه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۱۹۶-۱۸۳.
- (۵) برآبادی، س.ا.، ملک‌محمدی، ا.، و اسدی، ع. (۱۳۸۸). تحلیل موانع آموزشی و اجتماعی-فرهنگی اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی. کار و جامعه، شماره ۱۰۹، صص ۱۰۰-۹۲.

- ۶) پورجاوید، س.، خسروی پور، ب.، و علی بیگی، ا.ح. (۱۳۹۹). الگوی چابکی سازمانی در آموزش عالی کشاورزی با رویکرد گرند تئوری. فصلنامه علمی مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، سال یازدهم، شماره ۴۲، بهار ۱۴۰۰.
- ۷) پورجاوید، س.، خسروی پور، ب.، و علی بیگی، ا.ح. (۱۳۹۷). عامل‌های موثر در چابک‌سازی مدیریت آموزش عالی کشاورزی ایران. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۲۹-۱۰۹.
- ۸) تقی پور، م.، عباسی، ع.، و نعیمی، ا. (۱۳۹۵). ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی در نظام آموزش عالی کشاورزی با استفاده از مدل کیفیت خدمات آموزشی (SERVQUAL) (مورد مطالعه: دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس). نشریه نامه آموزش عالی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۷۳.
- ۹) تقی بیگی، م.، و برادران، م. و علی بیگی، ا.ح. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت موجود آموزش عالی کشاورزی استان خوزستان از منظر رویکرد فراشناختی. نشریه علمی فناوری آموزش، جلد ۱۴، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۹.
- ۱۰) حاجی هاشمی، ز.، و موحدی، ر. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی آموزش کشاورزی در دانشگاه پیام‌نور شهرستان شهرضا. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۷-۲، صص ۹۴۱-۹۲۹.
- ۱۱) خسروی پور، ب.، برادران، م.، غنیان، م.، صفاری، ح.، و شبانی، ک. (۱۳۹۲). اولویت‌بندی دیدگاه دانش‌آموختگان در خصوص مولفه‌های نظام آموزش عالی کشاورزی کارآفرین. فصلنامه کار و جامعه، شماره ۱۶۲، آبان ۱۳۹۲، ص ۲۱.
- ۱۲) خسروی پور، ب. (۱۳۸۷). واکاوی مولفه‌های موثر بر توسعه کارآفرینی در نظام آموزش علمی و کاربردی کشاورزی در ایران. رساله دکتری رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، کرج.
- ۱۳) خدابخشی، آ.، موحدمحمدی، ح.، و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۹۲). تحلیل مؤلفه‌های کیفیت الکترونیکی در آموزش عالی کشاورزی ایران. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، صص ۷۰۷-۶۹۳.
- ۱۴) جانبلاقی، م.، رشیدپور، ل.، و رسولی آذر، س. (۱۳۹۹). تبیین عوامل موثر بر کارآفرینی فارغ‌التحصیلان کشاورزی. فصلنامه راهبرد توسعه، سال شانزدهم، شماره ۳، صص ۱۴۸-۱۲۸.
- ۱۵) جمشیدی فر، م.، خرمی، ش.، و راحلی، ح. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی تبریز. پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۳(۳)، صص ۶۴-۵۳.
- ۱۶) زارعی، م. (۱۳۹۴). بررسی کارایی آموزش عالی کشاورزی (مطالعه موردی: دانشگاه بوعلی سینا). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بوعلی سینا، سال ۱۳۹۴.
- ۱۷) زمانیان، ع.ر.، چاوشان، م.، و معتمدی، م. (۱۳۹۵). ارزیابی محتوای دوره‌های آموزشی برگزار شده در مراکز ثابت آموزش فنی و حرفه‌ای خراسان جنوبی در سال ۹۴. ماهنامه شباک، دوره ۲، شماره ۱۲، صص ۳۶-۱۵- اسفند ۱۳۹۵.
- ۱۸) زمانی، غ.ح.، و لاری، م.ب. (۱۳۸۳). وضعیت اشتغال از دیدگاه دانش‌آموختگان کشاورزی جویای کار. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۲.
- ۱۹) زمانی، غ.ح.، و آزادی، ح. (۱۳۸۱). انتخاب آگاهانه و تحصیل در رشته کشاورزی. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۸، شماره ۲، پیاپی، ۳۶.
- ۲۰) زارعی، ح.، و محمدزاده، ر.ع. (۱۳۹۲). پیش‌بینی آگاهی فراشناختی و مؤلفه‌های آن بر اساس هدف‌های پیشرفت. دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، ۱(۱)، صص ۱۴-۱.

- ۲۱) رنجبر، ه.، حق‌دوست، ع.ا.، صلصالی، م.، خوشدل، ع.ر.، سلیمانی، م.ع. و بهرامی، ن. (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران. سال ۱۰. شماره ۳. شماره مسلسل ۳۹. صص ۲۵۰-۲۳۸.
- ۲۲) رستمی، ف.، و علی‌آبادی، و. (۱۳۹۳). تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی و فراشناختی در پیش‌بینی انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی دانشجویان کشاورزی. نشریه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۳۰.
- ۲۳) دانایی‌فرد، ح.، الوانی، س.م.، و آذر، ع. (۱۳۸۴). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران، انتشارات صفار.
- ۲۴) سوختانلو، م. (۱۳۹۶). تحلیل اثربخشی نظام آموزش عالی کشاورزی بر پرورش قابلیت‌های کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشاورزی (مورد مطالعه، دانشگاه محقق اردبیلی). راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، سال سوم، شماره ۶، صص ۴۴-۳۴، سال ۱۳۹۶.
- ۲۵) سارانی، و.ا.، حجازی، ی.، حسینی، س.م.، و رضوانفر، ا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سبک رهبری تحول‌آفرین با بهبود کیفیت آموزش عالی کشاورزی (مورد مطالعه: پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران). فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، سال ۴۶، شماره ۲، ۱۳۹۴، صص ۲۶۵-۲۵۵.
- ۲۶) سواری‌ممبینی، آ. (۱۳۹۸). راهکارهای توسعه آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی (مطالعه موردی: دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان). فصلنامه علمی رویکردهای پژوهشی کارآفرینانه در کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، شماره ۶، صص ۴۸-۳۱، تابستان ۱۳۹۸.
- ۲۷) سلیمی، ق.، محمدی، م.، و نثار، ز. (۱۳۹۶). واکاوی تجارب اعضای هیات علمی در ارتباط با شایستگی‌ها و پویایی‌های تدریس و پژوهش در فرآیند بین‌المللی شدن آموزش عالی: پژوهش کیفی. نشریه تدریس پژوهی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۰۹، تابستان ۱۳۹۶.
- ۲۸) شیری، ن.ا.، میرکزاده، ع.ا.، و زرافشانی، ک. (۱۳۹۴). الگوی مفهومی ترویج کارآفرینی در بین دانشجویان نظام آموزش عالی کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۴)، صص ۶۸-۴۹.
- ۲۹) شریف‌زاده، ا.، عبدالله‌زاده، غ.ح.، و شریفی، م. (۱۳۹۲). عامل‌های تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان در آموزش عالی کشاورزی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۹۲، صص ۷۲.
- ۳۰) شهبازی، ا.، و علی‌بیگی، ا.ح. (۱۳۸۵). واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازار کار در کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۱.
- ۳۱) علیزاده، ن.، صدیقی، ح.، پزشکی‌راد، غ.ر.، و فراست‌خواه، م. (۱۳۹۳). تحلیل سازوکارهای تحول‌آفرینی آموزشی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران. فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم کشاورزی ایران)، دوره ۴۶، شماره ۱، صص ۵۳-۴۳، سال ۱۳۹۳.
- ۳۲) عبدالله‌زاده، غ.ح.، بارانی، ح.، باقری، ع.ر.، نجفی‌نژاد، ع. و سلطانی، ا. (۱۳۹۵). مهم‌ترین مسائل آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی در ایران. نشریه نامه آموزش عالی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، صص ۵۱.
- ۳۳) عباسی، ع.، و حجازی، ی. (۱۳۸۹). نقش رهبری، فرهنگ سازمانی در ارتقای عملکرد دانشکده‌های کشاورزی ایران (ایجاد دانشکده کشاورزی یادگیرنده). پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲.

- ۳۴) صادقی، ز. و محتشمی، ر. (۱۳۸۹). نقش فراشناخت در فرآیند یادگیری. راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، جلد ۳، شماره ۴، صص ۱۴۸-۱۴۳.
- ۳۵) صفا، ل.، ایروانی، ه. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۷). تحلیل دیدگاه دانشجویان نسبت به مولفه‌های موثر در تبیین کیفیت آموزش کشاورزی. مجله کشاورزی، (۲) ۱۰، صص ۹۱-۸۳.
- ۳۶) کشاورزی، م.، یارمحمدیان، م. ح. و نادری، م. ع. (۱۳۹۷). محتوای برنامه درسی مبتنی بر آینده پژوهی در آموزش عالی ایران: پژوهش کیفی. دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۱۳۹-۱۱۹.
- ۳۷) فلاح حقیقی، ن.، میرترابی، م. ا. و بیژنی، م. (۱۳۹۹). چالش‌های راه‌اندازی شرکت‌های دانش‌بنیان کشاورزی با استفاده از تحلیل SWOT مورد مطالعه سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی در ایران. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۶، شماره ۱، صص ۵۶-۴۱، تابستان ۱۳۹۹.
- ۳۸) قاسمی، ج.، اسدی، ع. و حسینی‌نیا، غ. ح. (۱۳۸۸/۲۰۰۹). بررسی عوامل تأثیرگذار در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۰-۲، شماره ۲، صص ۷۹-۷۱.
- ۳۹) مقدس‌فریمانی، ش. و زمانی، غ. ح. (۱۳۸۵). رهیافت آموزشی گزیداری برای دوره کارشناسی کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۳، شماره ۱، صص ۲۶-۱۱.
- ۴۰) محمدیان‌ماسوله، ف. و زمانی، غ. ح. (۱۳۹۲). راهکارهای بهبود نظام آموزش عالی کشاورزی در راستای آمادگی دانش‌آموختگان برای ورود به بازار کار. اولین همایش ملی الکترونیکی کشاورزی و منابع طبیعی پایدار - ۱۳۹۲.
- ۴۱) محسن‌پور کبریا، ح.، فتحی‌واجارگاه، ک.، عارفی، م. و خراسانی، ا. (۱۳۹۶). تبیین پیامدهای ارتقای برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، جلد ۱۴، شماره ۲، (پیاپی ۵۵)، صص ۶۶-۵۲.
- ۴۲) یعقوبی، ج. (۱۳۸۹). بررسی عوامل بازدارنده کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و ارائه سازوکارهایی برای تقویت آن. توسعه کارآفرینی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۱۳۹-۱۲۱، تابستان ۱۳۸۹.
- 43) Adeyi, A. O., Apansile, E. K., Okere, W., & Okafor, L. I. (2018). Training and Development and Organisational Performance: Standpoint from Private Tertiary Institutions in Nigeria. *Journal of Economics, Management and Trade*, 1-10.
- 44) Alizadeh, N; Sadighi, H; Pezeshki Rad, R; & Alipur, H. (2016). Analysis of effective components of educational transformation in agricultural higher education system in Iran. *IJAMAD*, 6 (2), 193-203.
- 45) Ahanchain, M.H.; Jaafarian Rad, M. J. Fakoor, M. and Zohoor, V.(2009). Quality evaluation of courses held in Jihad-Agriculture Higher Education Centers at Khorasan Razavi Province based on CIIP model. *Quarterly journal of research in agricultural education management*, 10: 54- 63.
- 46) Aldrich, H.E. (2004). The pervasive of Family on Entrepreneurship:towards a family Embeddedness perspective. *Jornal of Business Venturing*.
- 47) Bennet, P., Bergan, S., Cassar, D., Hamilton, M., Soimila, M., Sursock, A., Trumnic, S. U., & Williams, P. (2010). Quality assurance in transnational higher education. Lifelong Learning Program of the European Union, Workshop Report 2. Retrieved from: <http://www.enqa.eu/pubs.lasso>.



- 48) Bautista, I. (2016). Generic competences acquisition through classroom activities in firstyear agricultural engineering students. *International Journal of Educational*.
- 49) Barro, R. J. & Lee, J.-W. (2013). A new data set of educational attainment in the world, 1950–2010. *Journal of Development Economics*, 104, 184–198.
- 50) Boccanfuso, D.; Larouche, A. & Trandafir. (2015). Quality of higher education and the labor market in developing countries: Evidence from an education reform in Senegal, *Journal of World Development*, 74, 412–424.
- 51) Cliatt, Katherin. H. (2001). Effective core pesign and Assesment For Entrepreneurship Business Education Forum.
- 52) Chambers,R. (2002). Human capital for Entrepreneurship in higher education, London. Edgar.
- 53) Dulawat, S. M., & Rai, S. R. (2005, Jan 8-10). Satisfaction level of students as a tool for performance measurement. Indore International Seminar on Strategic Role of HRM in new millennium, IPS Academy.
- 54) Fitriani, S. and Muljono2, H. (2019). Beyond good governance: an ultimate key success for higher education quality. *Journal of Education, Teaching and Learning*, 4(1), 210-216.
- 55) Fetherston, B., & Kelly, R. (2007). Conflict resolution and transformative pedagogy: a grounded theory research project on learning in higher education. *Journal of Transformative Education*, 261-285.
- 56) Hodges, D., & Burchell, N. (2003). Business graduate competencies: Employers' views on importance and performance. *Asia-Pacific Journal of Cooperative Education*, 4(2), 16-22.
- 57) Kumar, N. (2016). Finding a plausible option for revitalising agricultural higher education in India: a systematic review. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 38(6), 676-689. [DOI: 10.1080/1360080X.2016.1211978].
- 58) Liu, X., Zhou, J., Xue, Y., & Qian, S. (2019). Analysis of property management ecological behavior in China based on the grounded theory: the influencing factors and the behavior model. *Journal of Cleaner Production*.
- 59) Monolescu, D., Schifter C., Greenwood, L.(2004). The Distance Education Evolution: Issues and Case Studies, *Information Science Publishing*; 7 (2): 151-154.
- 60) Mojarradi, G. & Karamidehkordi, E. (2016). Factors influencing practical training quality in Iranian agricultural higher education. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 38 (2), 11-23.
- 61) Movahedi, R.; Akbari, R. and Yaghoubi-Farani, A. (2010). Solutions for improving agricultural graduates' employment status (case of Bu Ali Sina University). *Journal of agricultural extension and education researches*, 3 (4): 85-98.
- 62) Namdar, M., Pezeshki Rad, G. and Sedighi, H.(2018). Application of Grounded Theory in Sustainable Environmental Behaviors of Farmers: an Exploratory Analyses. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development*, 48(4), 597-609.
- 63) Pezeshki Rad, G. and Mohtasham, H. (2003). Internal evaluation a proper approach for quality in agricultural higher education. *Quarterly journal of research and planning in higher education*, 29:27-45.

64) Safa, L. and Shaban Ali-Fami, H. (2008). Viewpoints of agricultural students about quality of agricultural practical trainings in Agricultural And Natural Resource Pardis Of Tehran University. *agricultural. journal of Abu-Reyhan Pardis*, 10 (1):87-100.

65) Saadatmand, Z. (2006). Quality of education status in a context of scientific development and software movement.

66) Yaghoubi, N. M., Kazemi, M., RahatDahmardeh, M. & Arhami, F. (2011). "Organizational Agility: A Way to Import the Advantageous Aspects of Competitive Market (An AnalyticalComparative Approach on Agility Models) ". *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 2 (12): 766-783.

67) World Bank (2007). *Enhancing Agricultural Innovation: How to go beyond the strengthening of research systems*. Washington DC, USA: World Bank. 157p.

## Identifying and explaining the most important ways to improve agricultural higher education in Zanjan Agricultural College

Fateme Karimi Etamad<sup>1</sup>, Jafar Yaghobi<sup>2</sup>, Abdolhamid Papzan<sup>3</sup>

1- PhD Student Department of Extension, Communication and Rural Development, Faculty of Agriculture, University of Zanjan, Zanjan, Iran

2- Associate Professor Department of Agricultural Extension, Communication and Rural Development, Faculty of Agriculture, University of Zanjan, Zanjan, Iran

3- Department of Extension and Agricultural Education, Faculty of Agriculture, Razi University of Kermanshah, Iran

### Abstract

The higher education system, as the most obvious manifestation of human resource investment, plays a key role in training and providing effective human resources. So The development of higher education is very important as one of the infrastructures of the development of any country. In this regard, the development of agricultural higher education can play an important role in the growth of agriculture and guarantee the achievement of comprehensive and sustainable development of agriculture. The main purpose of this research was to identify the most important and the pillars ways to improve agricultural higher education. Due to the exploratory approach, qualitative approach was used to identify the solutions. The statistical population of the research was university experts, graduates, agricultural entrepreneurs and managers of agricultural jihad, and 32 experts were interviewed using purposeful sampling until reaching the threshold of usefulness. Agriculture has been used in Zanjan province. By analyzing the text of the interviews, 200 conceptual propositions related to the purpose of the research were extracted during open coding. These concepts were classified in the form of 52 sub-categories during axial coding and then in 6 general categories during selective coding. According to this classification, the most important aspects of improving the agricultural higher education system include educational-research, infrastructure, structural (infrastructure), individual-skill (human resources), administrative-management (organizational) and economic aspects. Considering the importance of the dimensions of improving agricultural higher education, in order to achieve the system's macro goals and vision, it should be reviewed and modified based on indicators that have importance and priority. It is necessary for policy makers and planners of higher agricultural education to consider the dimensions related to the main indicators of the higher agricultural education system identified in this research in planning and designing educational programs. It is suggested to the policy makers and planners that in order to improve and change the educational system in such a way that the atmosphere governing the classes is collaborative and cooperative, the action and the content of the books should be adjusted in such a way that the important dimensions and indicators are identified. To be used as a strategy in the agricultural higher education system

**Index terms:** Agricultural Higher Education, Faculty of Agriculture, Infrastructure Development, Higher Education, Improving Agricultural Higher Education

**Corresponding Author:** f.karimi

**Email:** f.karimi313@znu.ac.ir

**Received:** 2022/11/26

**Accepted:** 2022/12/21